



بن بست حزب الله در سوریه

گزارش شماره 175 بخش خاورمیانه | 14 مارس 2017

ترجمه از انگلیسی

Headquarters

International Crisis Group

Avenue Louise 149 • 1050 Brussels, Belgium

Tel: +32 2 502 90 38 • Fax: +32 2 502 50 38

brussels@crisisgroup.org

فهرست مطالب

چکیده	i
I. پیش گفتار	1
II. قمار سوریه، شمشیر دولبه	4
A. وجهی رو به زوال و نیاز به بازآفرینی هویت	4
B. تحریم‌های عربستان سعودی	9
C. آرامش جبهه‌ی جنوب؟	13
III. حزب‌الله و متحدان‌اش	16
A. ایران: پیوند رو به استحکام	16
B. سوریه: یا اسد یا هیچ	18
C. روسیه در هیئت ناجی؟	21
IV. خروج از بن بست	24
V. نتیجه	26
پیوست‌ها	
الف. نقشه لبنان	27
ب. در باره‌ی گروه بین‌المللی بحران	28
پ. گزارش‌ها و تحلیل‌های گروه بین‌المللی بحران در باره‌ی خاورمیانه و آفریقای شمالی از سال 2014	29
ت. هیئت امنای گروه بین‌المللی بحران	31

چکیده

وقتی حزب‌الله - یا همان "حزب خدا"ی لبنان - در سال 2013 جنگجویان‌اش را به داخل سوریه فرستاد، هدف اصلی‌اش نجات خودش بود. اگر حکومت اسد سقوط کرده‌بود یا از قدرت‌های منطقه‌ای که ایالات متحده حمایت‌شان می‌کند شکست خورده‌بود، امکان داشت حزب‌الله با حکومت سنی دشمن‌خوبی که در دمشق به جای حکومت اسد روی کار می‌آمد رودررو شود، یا مجرای ضروری تسلیحاتی‌اش از ایران را از دست بدهد. امروز، هدف بنیادی حزب‌الله در حفظ حکومت سوریه برآورده شده، ولی پایانی بر جنگ در سوریه به چشم نمی‌خورد. اگر ایران و حزب‌الله بدون داشتن یک استراتژی خروج واقع‌بینانه، به پشتیبانی نظامی بی‌قید و شرط از حکومت سوریه ادامه دهند، هر چه ژرف‌تر به درون آنچه که تنها می‌تواند یک باتلاق باشد کشانده می‌شوند، حتا اگر توان نظامی‌شان در کل منطقه بیشتر شود. هم‌زمان، ایران و حزب‌الله باید با دولتی در آمریکا سرشاخ شوند که احتمالاً رویکرد خصمانه‌تری دارد و گفته‌است که می‌خواهد در برابر نفوذ ایران بایستد، حتا در همان حال که رویکرد پرخاش‌جویانه‌تری را نیز نسبت به دولت اسلامی (داعش) - یعنی دشمن مشترک آمریکا، حزب‌الله و ایران - دنبال می‌کند.

پرهیز از کشانده شدن به باتلاق، مستلزم مذاکره بر سر توافقی است که کشورهای کلیدی‌ای که از مخالفان اسد حمایت می‌کنند، در آن منفعتی داشته‌باشند، و نیز روسیه، که می‌تواند سازش لازم را به دمشق تحمیل کند. این گزارش، گام‌هایی مقدماتی را که ایران و نیز روسیه می‌توانند در این مسیر بردارند، پیشنهاد می‌کند، از جمله به رسمیت شناختن شورشیان غیرجهادی؛ آغاز مذاکرات با آنها برای این که ببینند زمینه‌ی مشترکی می‌توان یافت یا نه؛ پایین کشیدن فتیله‌ی شعارهای فرقه‌گرایانه؛ و خودداری از عملیات تهاجمی جدید علیه مناطق زیر سلطه‌ی شورشیان، به منظور حفظ یک دشمن غیرجهادی که اگر، و هنگامی که، توافقی حاصل شد، قادر به اجرای آن باشد.

حزب‌الله بدون موافقت ایران نمی‌تواند در سوریه مسیر خود را عوض کند، هرچند که بهای گزاف و روزافزونی بابت دخالت‌اش در سوریه می‌پردازد. حزب‌الله که زمانی به حکومت حافظ اسد، رئیس‌جمهور فقید سوریه، متکی بود تا جایگاه نظامی خود را در لبنان حفظ کند، اکنون نقشی اساسی در بقای حکومت پسر او در سوریه یافته است. با این‌همه، اتحاد با حافظ و بشار اسد تبدیل به نقطه ضعف شده، منابع حزب‌الله را خشکانده، گروه‌های جهادی را که می‌کوشید نابودشان کند قدرت بخشیده، و دشمنی اکثریت جمعیت سوریه و نیز بازیگران منطقه‌ای همچون قطر و حماس را، که زمانی حزب‌الله روابط خوبی با آنها داشت، برانگیخته‌است.

هزینه‌ی دیگری که سنجش‌اش دشوارتر است، آسیبی است که وجهه و هویت حزب‌الله خورده‌است. اکنون آنچه زمانی "حزب مظلومان" و جنبش "مقاومت" اصلی لبنان بود که در برابر اسرائیل می‌ایستاد، نیروی خود را به فراسوی مرزها گسیل داشته و تبدیل به یک نیروی منطقه‌ای پر قدرت شده‌است. حزب‌الله که زمانی از ستایش اعراب به دلیل مبارزه‌اش با دشمنی مشترک برخوردار بود، اکنون عموماً به عنوان یک نیروی شبه‌نظامی فرقه‌گرای شیعه، و در بخش‌های از سوریه، یکی اشغالگر بی‌رحم شمرده می‌شود.

حزب‌الله از دخالت خود در سوریه، نفعی بیشتر از حفظ حکومت آن کشور برده‌است. تلاش تمام‌قد حزب‌الله برای زنده نگه داشتن حکومت سوریه، جایگاه این گروه را به عنوان کارآمدترین شریک ایران تحکیم کرد. جنگ سوریه وابستگی متقابل ایران و حزب‌الله را به نمایش گذاشت و ژرف‌تر کرد. مدت‌هاست که حزب‌الله، عمق استراتژیک لازم در مقابل اسرائیل را در اختیار ایران گذاشته است. اوج‌گیری درگیری حزب‌الله در سوریه، این گروه را تا جایگاه شریکی ضروری در این رویارویی پرمخاطره‌ی منطقه‌ای - که طرف‌های اصلی‌اش ایران و عربستان سعودی هستند و به طور فزاینده‌ای رنگ فرقه‌ای می‌گیرد -- بالا برده است. ایران نیز به نوبه‌ی خود، سلاح و پشتیبانی‌های دیگر در اختیار حزب‌الله می‌گذارد که آن را قادر می‌سازد با اسرائیل بجنگد و از قدرت نظامی‌اش برای چیرگی سیاسی در کشوری که همیشه این چیرگی را از شیعیان دریغ داشته‌است، بهره بگیرد.

حزب‌الله از رابطه‌اش با روسیه - که پیامد دخالت سال 2015 روسیه در سوریه بود -- نیز نفع برده‌است. حزب‌الله در صحنه‌ی نبرد، شریکی ضروری بوده، نیروی رزمی زبده‌ای که بدون آن، حملات هوایی روسیه تأثیر بسیاری کمتر می‌داشت. حزب‌الله توانسته برای اولین بار، مهارت نظامی و تاکتیکی خود را از طریق اتحادی رزمی با یک قدرت جهانی افزایش دهد. با این‌همه، رابطه‌ی میان این دو، متزلزل است، چرا که مسکو -- قدرتی سکولار که از بینادگرایی اسلامی بیمناک است و ترجیح می‌دهد دولت و ارتشی نیرومند در سوریه بر سر کار باشد -- اهداف خودش را در سوریه دنبال می‌کند. اکنون که به نظر می‌رسد بقای حکومت سوریه در آینده نزدیک تضمین شده‌باشد، اهداف روسیه دارد شروع به واگرایی از اهداف ایران و حزب‌الله می‌کند.

حزب الله هم اهداف خودش را دارد، و بنابراین نیازمند استراتژی سیاسی خاص خویش است. حزب الله هم مانند بیشتر بازیگران صحنه سوریه، همچنان بر قدرت سخت متکی است. این امر تنها می‌تواند باعث به درازا کشیدن درگیری و ترغیب افراطگرایی در میان تمامی طرف‌ها شود. شکست شورشیان غیرجهادی باعث افزایش نفوذ جهادی خواهد شد، و حریف معتبری را که می‌تواند بر سر مصالحه گفتگو کند و توافق احتمالی را به اجرا بگذارد، از صحنه بیرون خواهد کرد. حزب الله ممکن است از پشتیبانی ایران و روسیه، و نیز از پیروزی مشترک سال 2016 آن دو در حلب، جسارت یافته باشد و مایل به تلاش‌هایی برای به فتوحات بیشتر باشد. ولی تصرف و حفظ سرزمین در شرایطی که نیروهای شورشی تغییر شکل می‌دهند و جمعیت محلی نیز نگرشی خصمانه به حزب الله دارند، به طور فزاینده ای منجر به خونریزی و از دست رفتن موجودی‌ها خواهد شد، و شاید اساساً مانع آن بشود که حزب الله بتواند خود را از مهلکه خلاص کند.

حزب الله، به همراه ایران، برای سست کردن بندهایی که دست و پای‌شان را در سوریه بسته، و به وجود آوردن امکان بیرون کشیدن غایبی نیروهای‌شان، باید فوراً گام‌هایی در جهت فرونشاندن تنش‌ها بردارند. آنها باید به عنوان بخشی از فرایندی که روسیه، ترکیه و ایران در ژانویه 2017 در شهر آستانه آغاز کردند، به اجرای آتش‌بس در سراسر سوریه کمک کنند. آنها همچنین باید خطوط ارتباطی را با دشمنان غیرجهادی باز کنند تا بتوانند در باره‌ی تمرکززدایی قابل قبول هر دو طرف - که امکان خودگردانی محلی را در مناطق تحت کنترل مخالفان فراهم آورد، بدون آن که راه را برای تجزیه‌ی سوریه هموار کند - مذاکره کنند؛ و نیز محدودیت‌های تلافی‌جویانه‌ی اعمال شده علیه روستاهای مضایا، زبدانی، فوعه و کفریا را کاهش دهند. همچنین، آنها باید به بشار اسد فشار آورند تا به مذاکره بر سر مصالحه‌ی سیاسی تن در دهد و از عملیات تهاجمی جدید و مجازات دسته‌جمعی غیرنظامیان خودداری کند.

در مقابل، در مصالحه‌ای بر اساس مذاکره، باید منافع حیاتی حزب الله - که این گروه، با توجه به توان رزمی‌اش، نه تمایل و نه نیازی به سازش در باره‌شان دارد -- نیز مورد نظر قرارگیرد. از جمله این منافع عبارت‌اند از کانال انتقال تسلیحات برای حزب الله، محافظت از زیارتگاه‌های شیعیان در سوریه، و جلوگیری از حمله، هم به جامعه‌ی اهل تشیع و هم جنگجویانی که حزب الله در لبنان دارد. هرچند توان تسلیحاتی حزب الله مدت‌هاست که باعث نگرانی‌های جدی در درون و بیرون لبنان بوده، اگر بنا باشد توافقی در سوریه بخت پیروزی داشته باشد، خلع سلاح حزب الله نمی‌تواند به مذاکرات بر سر رسیدن به مصالحه ربط داده شود. در عین حال، حزب الله باید بکوشد بیم‌های رقبای داخلی‌اش را برطرف کند. حزب الله می‌تواند این کار را از طریق موافقت با از سرگیری گفتگو بر سر یک استراتژی دفاعی انجام دهد. این گفتگو که به دلیل دخالت حزب الله در سوریه متوقف شده، باید کاربرد تسلیحات حزب الله را به قاعده درآورد، از جمله این که بر تعهد اعلام شده‌ی حزب الله مبنی بر عدم استفاده از سلاح‌های خود علیه حریفان داخلی یا برای تحریک اسرائیل به جنگ، تاکید کند.

هیچ‌یک از این کارها آسان نخواهد بود، ولی بدیل آنها بدتر خواهد بود، هم برای حزب الله و هم برای بیشتر کشورهای منطقه: درگیری طولانی و حتا پرهزینه‌تری در جنگی فرسایشی که برنده‌ای نمی‌تواند داشته‌باشد. گذشته از هزینه‌های انسانی، حزب الله ناچار خواهد بود جامعه‌ی شیعه را - که شکیبایی و پشتیبانی‌اش ممکن است حدی داشته‌باشد -- در حال بسیج دائم نگه دارد، و جوانانی را به کار گیرد که فاقد آن تعهد و انضباطی باشند که حزب الله را به یک نیروی رزمی پر قدرت بدل کرده است. چنین چشم‌اندازی نمی‌تواند خوشایند حزب الله باشد.

بیروت/بروکسل، 14 مارس 2017

بن بست حزب الله در سوریه

I. پیش‌گفتار

حزب‌الله که محصول تهاجم اسرائیل به لبنان در سال 1982 و اشغال آن کشور است، محبوبیت و رشد خود را مدیون پرچمداری آرمان شیعیان لبنان، بدون ادعای ایفای نقش فرقه‌ای است.¹ از زمان پایان جنگ داخلی لبنان در سال 1990، حزب‌الله نقشی دوگانه بازی کرده است: یک حزب سیاسی در درون نظام لبنان، و یک جنبش مقاومت مسلحانه‌ی متکی بر اسلام در برابر اسرائیل.² با این‌همه، قیام سال 2011 در سوریه و جنگ داخلی متعاقب آن، حزب‌الله را واداشت تا وجهی غالب لبنانی خود را وانهد و به جای آن، در نقشی آشکارا شیعه ظاهر شود – با گسترش قدرت خود به فراسوی مرز و کشاندن خود به جنگ قدرت منطقه‌ای با رنگ‌مایه‌ی فرقه‌ای.³

هرچند حزب‌الله پیشتر هم در بیرون از لبنان فعال بود، به نظر می‌رسد که حوزه‌ی نفوذ خود را به سوریه، عراق و یمن هم گسترش داده باشد، گرچه عمق درگیری حزب‌الله در این کشورها هنوز موضوعی برای گمان‌زنی است.⁴ به گفته‌ی یک ناظر لبنانی، "صحنه‌ی منطقه، یعنی کشورهایی مثل سوریه و یمن. برای بسیاری از اعضای حزب‌الله که با من صحبت می‌کنند اهمیت واقعی یافته است. به نظر می‌رسد که در بحث‌های آنها، لبنان جایگاهی ثانوی دارد."⁵

سوریه حائز اهمیت آشکاری است. در سوریه، حزب‌الله برای اولین بار با یک حریف عرب به رویارویی برخاسته است. از مراحل اولیه‌ی قیام سوریه، حزب‌الله و حامیان ایرانی‌اش نشان دادند که تغییر بنیادی در حکومت

¹ شیعیان لبنان که از نظر تاریخی همیشه به حاشیه رانده شده بودند، تا پیش از جنگ داخلی 195-1990 اکثراً محدود به "کمربند فلاکت" بودند، مناطق روستایی فقیری در جنوب و شرق کشور که به طور تاریخی مورد بی‌توجهی دولت بود، و نیز حومه‌ی جنوبی بیروت. "حزب الله و جامعه‌ی شیعه: از آمیزه‌ی سیاست و طایفه تا تخصصی شدن طوایف"، موسسه‌ی اسپن، نوامبر 2010.

² تا زمان بیرون کشیدن نیروهای سوریه از لبنان در پی ترور 14 فوریه 2005 رفیق حریری نخست‌وزیر لبنان، حزب‌الله در اپوزیسیون بود، و بر مبارزه‌ی خود با اسرائیل و توسعه‌ی شبکه‌ی خدمات اجتماعی خود در درون جامعه‌ی شیعه تمرکز داشت. حضور حزب‌الله در دولت از آن سال شروع شد و از آن هنگام، این گروه، فعالیت سیاسی خود را افزایش داده است؛ در سالهای 2007-2008 حزب‌الله تحصنی 18 ماهه را در بیروت رهبری کرد تا دولت فواد سینیوره، نخست‌وزیر را سرنگون کند؛ در مه 2008، پس از آن که دولت تصمیم به انحلال شبکه‌ی مخابراتی مستقلی که به گفته‌ی حزب‌الله برای مبارزه‌اش با اسرائیل حیاتی بود، با شبه‌نظامیان سنی و دروز در بیروت درگیر شد؛ و بارها کوشید دادگاه ویژه لبنان را که مسئول تحقیق و تفحص در باره ترور حریری بود بی‌اعتبار کند. در سال 2000، پس از بیرون کشیدن نیروهای اسرائیل از جنوب لبنان، حزب‌الله اعلام کرد که اسرائیل هنوز مزارع شبعاً و منطقه‌ی "هفت روستا" را تخلیه نکرده، که این روستاها لبنانی‌اند و در نتیجه اشغال‌شده به حساب می‌آیند؛ حزب‌الله از این حربه برای توجیه وضعیت نظامی خود در لبنان بهره گرفت. از آن زمان، اسرائیل و حزب‌الله گهگاه درگیر شده‌اند؛ آنها در سال 2006 درگیر جنگی 33 روزه شدند که بخش اعظم جنوب لبنان و حومه‌های جنوبی بیروت (موسوم به عاصمیه) را ویران کرد. گزارش شماره 57 گروه بحران، اسرائیل/فلسطین/لبنان: بیرون خزیدن از مغاک، 25 ژوئیه 2006.

³ گزارش خاورمیانه گروه بحران شماره 153، حزب‌الله لبنان به سمت شرق، به سوریه رو کرد. 27 مه 2014.

⁴ مصر در سال 2009 گفت که یک هسته‌ی حزب‌الله را کشف کرده، و این گروه را به طرح‌ریزی برای قاچاق سلاح به غزه و حمله به جاذبه‌های گردشگری اسرائیل در شبه‌جزیره سینا و کشتی‌های در حال حرکت در کانال سوئز متهم کرد. حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله، وجود این هسته را تایید کرد، ولی گفت هدف آن کمک به فلسطینی‌ها علیه اسرائیل بوده. نیویورک تایمز 13 آوریل 2009. نصرالله دخالت ماه آوریل 2015 عربستان سعودی در یمن را محکوم کرد (ر.ک. پایین) یک مقام سابق امنیتی یمن ادعا کرد که حزب‌الله حوثی‌ها را در لبنان آموزش داده، و بر رابطه‌ی نیرومند میان حزب‌الله و سرویس‌های اطلاعاتی تحت رهبری حوثی‌ها در صنعا تاکید نهاد. او همچنین گفت که دو مربی حزب‌الله در سال 2012 در صنعا در شمال یمن سکونت داشته‌اند. مصاحبه‌ی گروه بحران، مارس 2017. یک مقام حوثی گفت که حزب‌الله میزبان یک ایستگاه رسانه‌ای حوثی در لبنان است. مصاحبه‌ی گروه بحران، فوریه 2016. مقام‌های ایران، رابطه‌ی نزدیک میان حزب‌الله و حوثی‌ها را تایید کردند. مصاحبه‌های گروه بحران، نوامبر 2016. یک روزنامه‌نگار که روابط نزدیکی با حزب‌الله دارد گفت: "حزب‌الله نماینده‌ی ایران در یمن است". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژوئن 2015. در عراق، حزب‌الله شیخ‌نظامیان شیعه‌ای را که با نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا – و بعثت با شورشیان سوری -- می‌جنگیدند، آموزش داد. ماریکه ترانسفلد، "بست کوچک ایران در یمن"، موقفه‌ی کارنگی برای صلح بین‌الملل، 14 فوریه 2017؛ "حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن رابطه‌ی خود را آشکار کردند"، فایننشیل تایمز، 8 مارس 2005؛ "دولت یمن می‌گوید حزب‌الله در کنار حوثی‌ها می‌جنگد"، رویترز، 24 فوریه 2016؛ به گفته‌ی یک مقام، حزب‌الله عراقی‌ها را در ایران آموزش می‌دهد، نیویورک تایمز، 5 مه 2008؛ "حزب‌الله در عراق: هر کمک کوچکی تأثیری بزرگ دارد"، موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، 25 ژوئن 2014.

⁵ مصاحبه‌ی گروه بحران، واشنگتن، ژوئن 2016.

سوریه -- به ویژه در دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی آن کشور -- را نخواهند پذیرفت. با رشد سرمایه‌گذاری نظامی حزب الله در سوریه، منافع استراتژیک آن هم رشد کرد، تا جایی که امروز سرنوشت حزب الله و حکومت اسد در هم تنیده است: بخش مهمی از تسلیحات حزب الله از ایران و از طریق خاک سوریه به دست‌اش می‌رسد، که این امر حزب الله را به حسن نیت دمشق وابسته می‌سازد. در عین حال، حمایت نظامی حزب الله از اسد، این گروه را برای حکومت سوریه نیز دارای اهمیتی حیاتی می‌کند.

در روزهای آغاز قیام، مقام‌های حزب الله گفتند که می‌کوشند حکومت سوریه را متقاعد کنند از خشونت بپرهیزد و آنچه را که از دید ایشان، خواسته‌های مشروع تظاهرکنندگان بود، پاسخ دهد.⁶ با این همه، زمانی که اندرز حزب الله نشنیده گرفته شد، حزب الله با کمک‌های تدارکاتی و نظامی، از تاکتیک‌های سرکوبگرانه‌ی حکومت حمایت کرد.

تا اوایل سال 2012، قیامی که در ابتدا صلح‌آمیز بود، به شورش خشن با حمایت خارجی تبدیل شده بود که به سوی یک جنگ نیابتی تمام‌عیار پیش می‌رفت. در این استحال، نقش سرکوب و وحشیانه‌ی تظاهرکنندگان از سوی حکومت سوریه، هیچ اندک نبود. مشاوران نظامی حزب الله و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به سوریه سرازیر شدند تا حکومت را از آنچه به تاکید ایشان، تهدید فزاینده‌ی جهادی‌های سنی بود، محافظت کنند. بیم حزب الله از یک جنگ فرقه‌ای به ضد خود بدل شد، و آتش همان افراطگرایی را که حزب الله می‌گفت می‌خواهد جلویش را بگیرد، شعله‌ور کرد. افزون بر این، حزب الله در حفظ حکومتی که با کمبود فزاینده‌ی نیروی انسانی روبرو بود، نقشی حیاتی یافت. این امر، زمینه را برای دخالت نظامی تمام‌عیار در سال 2013 فراهم آورد. در آن هنگام، حزب الله به این نتیجه رسید که کنترل حکومت سوریه، به ویژه بر بخش‌هایی از کشور که برای بقای آن ضروری بود، دارد ضعیف می‌شود، و شکست حکومت سوریه، موجودیت خود حزب الله را تهدید خواهد کرد.⁷

رهبران حزب الله دریافته‌اند که دخالت در سوریه برای وجهه و اعتبارش در آن کشور و به طور گسترده‌تر در منطقه‌ی عربی، و نیز برای جنگجویان حزب الله، هزینه خواهد داشت.⁸ آمار تلفات، رو به افزایش گذاشت؛ در ماه مه سال 2016، یک عضو حزب الله گفت که این گروه 1700 تا 1800 تن از اعضایش را در سوریه از دست داده است.⁹ حزب الله شروع به از دست دادن دوستان‌اش هم کرد. بخش‌های چشمگیری از جمعیت سوریه از حزب الله رو برگرداندند و آن را به اعمال استاندارهای دوگانه متهم کردند، چراکه حزب الله در کشورهای دیگر -- مشخصاً در تونس، مصر، لیبی، بحرین و یمن -- از قیام‌های مردمی حمایت کرده بود، ولی قیام سوریه را توطئه‌ای خارجی تلقی می‌کرد.¹⁰ دشمنی حزب الله با اپوزیسیون سوریه صریح‌تر شد، و رهبران‌اش تظاهرکنندگان را متهم

⁶ مصاحبه‌های گروه بحران، مقام‌های ارشد حزب الله و حماس، بیروت، دمشق، ژوئن-دسامبر 2011.

⁷ تخمین زده می‌شود که حدود 8000 جنگجوی حزب الله در هر لحظه در سوریه حضور دارند، افزون بر هزار جنگجوی دیگر که به صورت نامنظم اعزام می‌شوند و عضو حزب الله نیستند. مصاحبه‌ی گروه بحران، جنگجوی حزب الله، بیروت، اوت 2016؛ "استحاله‌ی حزب الله به وسیله‌ی درگیری‌اش در سوریه"، موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، اوت 2016. یک مقام ارشد حزب الله گفت: "پس از بمب‌گذاری ژوئیه 2012 (که چهار مقام ارشد امنیتی را در دمشق کشت) و حملات پیامد آن در دمشق، حکومت سر به سقوط گذاشت. خطر از دست رفتن پایتخت جدی بود، چون به معنای سرنگونی حکومت می‌بود. در این مرحله، حکومت گامی اساسی برداشت، یعنی تشکیل "نیروهای دفاع مردمی"، که ابعادش رشد کرد و 100 هزار جنگجو را شامل شد. حکومت در این کار از حمایت نیرومند متحدان‌اش (حزب الله و ایران) بهره‌مند شد"، مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، دسامبر 2013.

⁸ یک مقام ارشد حزب الله گفت: "ما می‌دانیم که تصمیم‌مان (به دخالت در سوریه) عده‌ای را با ما مخالف خواهد کرد. ولی تصمیم‌گیری ما نه بر اساس میزان محبوبیت‌مان، بلکه بر اساس تصویری واضح و اصولی منسجم است. وقتی ما علیه اشغال عراق (از سوی آمریکا) ایستادیم، شیعیان عراق با ما مخالفت کردند. بله، حمایت مردمی مهم است، ولی نه به هر قیمتی". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژوئن 2012.

⁹ مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مه 2016.

¹⁰ یک کنشگر سوری گفت: "نصرت مردم سوریه را عمیقاً شوکه و ناامید کرد. ما برای این مرد احترام قائل بودیم. ولی معلوم شد که یک منافق واقعی است". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، آوریل 2012.

www.youtube.com/watch?v=Rn30Euch7ww؛ "سرکوب در سوریه، وجهه‌ی حزب الله را مخدوش کرد"، اسوسیپتدپرس، 10 اوت 2011.

کردند که آب به آسیاب منافع اسرائیل، غرب، ترکیه و کشورهای عرب خلیج فارس می‌ریزند.¹¹ نمتنها رابطه‌ی حزب‌الله با اخوان المسلمین سوریه آسیب دید، بلکه حماس -- شاخه‌ی فلسطینی اخوان المسلمین که از زمان اخراج از اردن در سال 1999، در دمشق مستقر شده بود -- با "محور مقاومت" به رهبری ایران قطع رابطه کرد.¹²

¹¹ در دسامبر 2011، برهان غلیون، رئیس وقت گروه اپوزیسیون "شورای ملی سوریه"، گفت که دولت آینده‌ی سوریه روابط خود را با ایران و حزب‌الله قطع خواهد کرد: "رابطه‌ی ما با لبنان مبتنی بر ... همکاری و شناسایی متقابل و تبادل منافع خواهد بود و ... ما به همراه لبنان در پی بهبود ثبات در منطقه خواهیم بود. وقتی روابط ما با ایران تغییر کند، روابط ما با حزب‌الله هم تغییر خواهد کرد... برخلاف دوران اسد، لبنان نباید به عنوان صحنه‌ای برای تسویه حساب‌های سیاسی به کار رود." *وال استریت جرنال*، 2 دسامبر 2011. نصرالله از این مصاحبه برای هشدار در مورد توطئه‌ای علیه حزب الله استفاده کرد: "در دو روز گذشته روشن شد که برداشت ما از شرایط بسیار درست بوده. هدف واقعی (قیام)، حمله به نهضت‌های مقاومت است. هدف، درخواست اصلاحات در سوریه نیست... هدف این است که سوریه به یک حکومت عرب خائن بدل شود... با کمال احترام به کسانی که در سوریه تظاهرات می‌کنند و آنهایی که هدف دیگری در ذهن‌شان برای جنگیدن دارند، به آنها می‌گوییم که آگاه باشند که مورد سوءاستفاده قرار خواهند گرفت... این پروژه‌ای است علیه اعتقادات، دین، فرهنگ، همبستگی ملی، ملی‌گرایی، هویت سوری، و عرق میهنی." *المنار*، 6 دسامبر 2011.

¹² "حماس حضور خود را در دمشق کاهش می‌دهد"، *دنشال*، 25 دسامبر 2011. حماس که از واکنش سرکوبگرایی‌های حکومت، حمایت حزب الله و ایران از اسد و قدرت گرفتن اخوان المسلمین در منطقه ناخرسند بود، در سال 2012 روابط خود را با محور قطع کرد، و به قطر، ترکیه، و دولت مرسى در مصر نزدیک شد. مصاحبه‌های گروه بحران، مقام‌های ارشد حزب الله و حماس، بیروت، مه-اکتبر 2016. روابط ایران- حزب الله-حماس تا اندازه‌ای ترمیم شده‌است، به‌ویژه حمایت مالی ایران از شاخه‌ی نظامی حماس از سال‌های 2015-2016.

II. قمار سوریه، شمشیر دولبه

اگر پیروزی‌های نظامی ملاک باشد، دخالت حزب‌الله در سوریه موفق بوده‌است. حزب‌الله به همراه ایران و روسیه، حکومتی در حال فروپاشی و محوری را که این حکومت حفظ‌اش می‌کرد، نجات داد. حزب‌الله با چیرگی بر بیشتر مناطق مرکزی و غربی سوریه، در عمل یک ناحیه‌ی حایل در هر دو سوی مرز به وجود آورده‌است که به طور چشمگیری از حملاتی که از مناطق تحت تصرف شورشیان در سوریه علیه لبنان صورت می‌گرفت، کاسته‌است.¹³ حزب‌الله همچنین تحت آموزش‌های نظامی ایران و روسیه، مهارت‌های عملیاتی مهمی نیز به دست آورده‌است. حزب‌الله هنوز ممکن است از کمک نظامی حیاتی خود استفاده کند تا نقشی سیاسی در هر مذاکره‌ای در آینده داشته باشد، یا به طور مستقیم، یا از طریق ایران. حزب‌الله با جلوگیری از تغییر حکومت – که ایالات متحده، ترکیه، قطر و عربستان سعودی خواهان‌اش بودند و می‌توانست توازن قوای منطقه را به هم بزند – موضع خود را تثبیت کرده و موضع حامی‌اش – ایران – را هم تقویت کرده‌است، ولی در عین حال، ماشه‌ی چالش‌های نگران‌کننده‌ی درازمدتی را هم کشیده‌است.

A. وجهه‌ی روبه زوال و نیاز به بازآفرینی هویت

از هنگام دخالت حزب‌الله در سوریه، استراتژی و وجهه‌ی این گروه دستخوش تغییری ژرف شده‌است. مبارزه با اسرائیل و حمایت از مظلومان – یعنی ستون‌های سنتی هویت حزب‌الله – زایل شده‌اند و حزب‌الله، هدف اصلی خود را مبارزه با افراترک‌رایان سنی بازتعریف کرده‌است.¹⁴ در سابق، حزب‌الله در لبنان و فراتر از آن، به عنوان یک نیروی بسیج‌کننده‌ی فرافرقه‌ای عمل می‌کرد، به‌ویژه در رویارویی با اسرائیل. ولی با افزایش قطبی شدن منطقه، حزب‌الله اکنون بیشتر بر حامیان شیعه‌ی خود متکی است، در چارچوب یک نظم منطقه‌ای که به طور فزاینده‌ای فرقه‌ای می‌شود، فعالیت می‌کند و خود نیز این نظم را تقویت می‌کند.

تلفیق این دو وجهه، ناجور از آب درآمده و حزب‌الله را واداشته تا با تناقض‌هایی چندوجهی کلنجار برود. حزب‌الله به سنی‌ها انگ می‌زند، همه‌ی شورشیان سوری را یکجا "تکفیری" می‌خواند، و مخالفان سیاسی لبنانی و سوری خود را متهم می‌کند که عامل غرب‌اند، در همان حال که می‌گوید مبارزه‌اش غیرفرقه‌ای است.¹⁵ به آن سوی مرزها نیرو می‌فرستد، و در عین حال شعارهای سنتی‌اش در باره‌ی مقاومت در برابر سرکوب را تکرار می‌کند؛¹⁶ کشته شدن غیرنظامیان در یمن را به دست ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی و برخوردار از پشتیبانی غرب محکوم می‌کند، و در همان حال کشتارهایی را که به دست خودش و دیگر متحدان حکومت در سوریه انجام می‌شود نادیده می‌گیرد؛¹⁷ و تاکتیک‌های بیرحمانه‌ای به کار می‌بندد، از قبیل محاصره‌ی مناطق مسکونی تا سرحد گرسنگی، و در همان حال پای‌بندی جنگجویان خودش را به اخلاق می‌ستاید.¹⁸ حزب‌الله با

¹³ در فاصله‌ی سال‌های 2013 تا 2014، ده‌ها نفر در حمله با راکت، خودروهای بمب‌گذاری‌شده، و شیبخون به ایست‌های بازرسی و کاروان‌های حزب‌الله و محله‌های عمدتاً شیعه‌نشین بیروت کشته شدند. در 19 نوامبر 2013، بمب‌گذاری انتحاری مضاعف در سفارت ایران 25 نفر از جمله یک دیپلمات را کشت. در اوت 2014، نیروهای مسلح لبنان (LAF) با گروه‌های وابسته به داعش و جبهه‌النصره در شهر مرزی عرسال درگیر شد. استقرار ارتش در اطراف عرسال و کنترل حزب‌الله بر بخشی از قلمرو سوریه در امتداد مرز، از آن زمان به کاهش این حملات کمک کرده‌است. "اصابت راکت به محله‌ی ضاحیه‌ی بیروت"، الجزیره، 29 مه 2013؛ "صلیب سرخ لبنان: ده‌ها تن در پی انفجار ضاحیه کشته شدند"، شرکت بین المللی اطلاع‌رسانی لبنان، 15 اوت 2013؛ گزارش خاورمیانه شماره 46 گروه بحران، عرسال در مرکز هدف: مخصصه‌ی یک شهر مرزی کوچک لبنان، 23 فوریه 2016.

¹⁴ بر اساس تحقیقی در سال 2015 توسط حیا بینا، سازمانی به رهبری یکی از منتقدان حزب‌الله، 78/7 درصد از شیعیان لبنان حامی دخالت حزب‌الله در سوریه بودند. *النهار*، 12 ژوئیه 2015.

¹⁵ گزارش گروه بحران، *حزب‌الله لبنان*، همان. یک مقام ارشد حزب‌الله گفت: "جنگ ما فرقه‌ای نیست. ما به حمایت از مقاومت فلسطین ادامه می‌دهیم. مگر فلسطینی‌ها شیعه‌اند؟" مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، اکتبر 2016.

¹⁶ نصرالله بارها دولت‌های بحرین و یمن را به سرکوب مردم کشورشان متهم کرده‌است. در حادثه‌ی اکتبر 2015 در مکه که به مرگ صدها زائر انجامید، نصرالله تولید عربستان سعودی را بر زیارتگاه‌ها و مراسم حج، "سرکوب تاریخی" خواند. "سیدحسین نصرالله: فاجعه‌ی منا تاثیر عظیمی بر پایان سرکوب سعودی‌ها خواهد داشت"، المنار، 14 اکتبر 2015. در همان زمان، اعضای حزب‌الله شروع کردند به توجیه مجازات دسته‌جمعی، روشی که اسرائیل در لبنان به کار می‌برد و باعث آسیب دیدن خانواده‌ی اعضای حزب‌الله شده‌است. یک عضو حزب‌الله گفت: "غیرنظامیانی که در سوریه کشته می‌شوند، بهای حمایت خود را از تکفیری‌ها می‌پردازند". مصاحبه‌ی گروه بحران، جنوب لبنان، اوت 2016.

¹⁷ ر.ک. سخنرانی نصرالله در مراسم سالانه‌ی عاشورای حسینی، المنار، 10 اکتبر 2016.

¹⁸ یک مقام ارشد حزب‌الله گفت: "اخیراً برخی نمایندگان مجلس سوریه اینجا در حلب با ما دیدار کردند. باید عشق و احترامی را که به حزب‌الله نشان دادند می‌دیدید. برای آنها حزب‌الله به خاطر حسن رفتار و اخلاقیات‌اش، مقدس به شمار می‌آید. اخلاق‌گرایی ما در جنگ خدشناپذیر است. ما دقیقاً براساس حلال و حرام عمل می‌کنیم. هیچ جنبش مقاومت دیگری روی

ارائه‌ی این تصویر که نبردش علیه تکفیری‌هاست، امیدوار است بسیاری از پشتیبانان‌اش را که در ابتدا دچار تردید بودند متقاعد کند که دخالت‌اش در سوریه هم به‌جاست و هم لازم.¹⁹ اسد را به عنوان شریکی غیرقابل‌چشم پوشی در جنگ علیه جهادی‌های سنی تصویر می‌کند و می‌کوشد ائتلاف بین‌المللی گسترده‌تری - به‌ویژه روسیه - را به جنگ سوریه بکشاند.²⁰ با این‌همه، اهداف حزب‌الله بسیار گسترده‌تر بوده‌است. حزب‌الله در سراسر سوریه پخش شده، و برای این که به متحدان‌اش موضع قوی‌تری در مذاکرات بالقوه بدهد، گروه‌های جهادی و غیرجهادی را به یکسان مورد حمله قرار داده (و همه را باهم تکفیری، یا بخشی از محور هوادار اسرائیل و برخوردار از حمایت غرب خوانده است).²¹ هرچند حزب‌الله مکرراً گفته‌است که راحل سیاسی را ترجیح می‌دهد، اقدامات خودش و متحدان‌اش بی‌پرده‌پوشی به حکومت سوریه کمک کرده‌است تا یک استراتژی نظامی پیشینه‌خواهانه را در پیش گیرد، به این امید که شورشیان شکست‌خورده ناچار شوند به مصالحه‌ای در چارچوب شرایط حکومت تن در دهند.²²

این قماری خطرناک است، زیرا اگر شورشیان چنین نکنند، ممکن است باقی‌مانده‌ی نیروهای اپوزیسیونی که مورد پذیرش جامعه‌ی بین‌الملل‌اند، به جهادی‌ها بپیوندند. همچنین این پرسش پیش می‌آید که اگر شرکای بالقوه‌ی مذاکره، چنان شکست فاحشی بخورند که اعتبار و توان اجرای یک توافق را از دست بدهند، در حالی که بیشتر جمعیت همچنان با حکومت مخالف است، در آن صورت حکومت با چه کسی مصالحه خواهد کرد؟ چگونه خواهد توانست حکومت کند؟²³

دلیل دیگر خطرناک بودن این قمار، پیامدهای احتمالی در درون حزب‌الله است. جنگ سوریه فشار شدیدی به حزب‌الله وارد آورده است. حزب‌الله با اعزام هزاران جنگجو، دارد کمبود نیروی انسانی و بی‌کفایتی رزمی حکومت سوریه را جبران می‌کند. هرچند رهبران حزب‌الله این موضوع را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند، یکی از

زمین نمی‌تواند مثل ما چنین ادعایی کند. در واقع، در بعضی مناطق (حکومت) سوریه، اگر حزب‌الله آنجا باشد مردم احساس امنیت می‌کنند." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، اکتبر 2016. در مقابل، مدیر یک سازمان بین‌المللی امدادسانی گفت: "جمعیت محاصره شده‌ی مضایا کمترین اهمیتی برای اخلاق‌گرایی ادعایی حزب‌الله قائل نبود. در آنجا، حزب‌الله مسئولیت عظیمی بابت زجر کشیدن مردم دارد. ده‌ها نفر از گرسنگی مرده‌اند." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژوئیه 2016.

¹⁹ "غیرت و روحیه‌ی جوانان حزب‌الله و خانواده‌های‌شان خیلی بالاست. طی سه سال گذشته، ما مردهای جوان را عضوگیری کرده‌ایم، چون همه حس می‌کنند که موجودیت ما در خطر است. این مردان جوان می‌بینند که دخالت حزب‌الله در سوریه چه تفاوتی ایجاد کرده: بمب‌گذاری‌های انتحاری در لبنان کمتر شده، و دیگر با راکت به روستاهای بقاع حمله نمی‌شود." مصاحبه‌ی گروه بحران، مقام ارشد حزب‌الله، بیروت، آوریل 2016.

²⁰ از دیدگاه حزب‌الله، این ائتلاف می‌تواند به صورت غیرمستقیم شامل دشمنان غربی‌اش هم بشود. یک مقام حزب‌الله گفت: "آمریکا و غرب متوجه شده‌اند که تروریست‌ها تنها بدیل اسد هستند. ببینید چطور مقام‌های غربی دیگر خواهان سرنگونی اسد نیستند. حالا اولویت نخست‌شان جنگ با داعش و جبهه‌النصره است." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مه 2015.

²¹ یک مقام حزب‌الله گفت: "اساساً، همه‌ی گروه‌های سوری خصلت‌های مشترکی دارند... فرق بین جبهه‌النصره (جبهه‌ی نصرت که قبلاً وابسته به القاعده بود، و در سال 2016 نام خود را به جبهه‌ی فتح‌الشم تغییر داد) و احرارالشم (یک گروه سلفی غیرتکفیری) هنوز محلی از اعراب ندارند. هم‌مشاران افراطی، فرقه‌گرا و ضدشیعیه‌اند." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مه 2016. نصرالله برخی گروه‌های مسلح اپوزیسیونی را "ارتش لحد سوری" توصیف کرد، در اشاره‌ای به رهبر ارتش جنوب لبنان که پیش از بیرون کشیدن نیروهای اسرائیل در سال 2000، زیر کنترل اسرائیل بود. سخنرانی ژانویه 2015 نصرالله، www.youtube.com/watch?v=YjrQY7bEYg. پیش از شکست شورشیان در شرق حلب، استقنان دی میستورا، فرستاده‌ی سازمان ملل، علناً برآورد کرد که از حدود 8000 جنگجوی شورشی مستقر در آن شهر، 900 نفر از اعضای فتح‌الشم‌اند. اپوزیسیون سوریه و دیپلمات‌های غربی گفتند که شمار جهادی‌ها بسیار کمتر است (مقام‌های آمریکا شمار آنها را حدود 200 نفر برآورد کردند). مصاحبه‌ها و تماس‌های گروه بحران، اکتبر 2016. روسیه گفت که شمار شورشیان بسیار بیشتر است. "روسیه به مذاکرات ژنو پیوست، کری امید چندانی به توافق بر سر سوریه ندارد"، رویترز، 19 اکتبر 2016.

²² ر.ک. پایین. در دسامبر 2013، هنگامی که حکومت در موضع دفاعی بود، یک مقام ارشد حزب‌الله گفت: "هر قطعنامه‌ای باید بر اساس باقی ماندن بشار اسد در قدرت با کاستن از برخی اختیارات‌اش باشد... به نظر من که اسد کنترل ارتش و سرویس‌های امنیتی را رها نخواهد کرد. شاید بعضی پست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا رسانه‌ای کابینه را به آنها بدهد، به علاوه‌ی آزادی بیان بیشتر." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، دسامبر 2013.

²³ حزب‌الله اعتقاد دارد که پیروزی‌های بیشتر حکومت، اپوزیسیون را وادار خواهد کرد طبق شرایط حکومت وارد مذاکره شود. یک مقام حزب‌الله گفت: "درگیری‌های بین النصره و دیگر گروه‌های مسلح اپوزیسیون در ادلب (پس از شکست آنها در حلب) چشمگیرند... اگر گسستگی کاملی میان‌شان پیش بیاید، اپوزیسیون ستون فقرات خود (یعنی النصره) را از دست می‌دهد، (در آن صورت) مذاکره با (گروه‌هایی جز النصره) ممکن می‌شود، حتی اگر احرارالشم کنترل همه چیز را به دست بگیرد، چون در آن صورت اپوزیسیون از نظر نظامی به اندازه‌ی کافی ضعیف شده‌است... و دیگر چیزی جز پوششی برای دخالت خارجی نیست." با این‌همه، این مقام حزب‌الله اذعان کرد که نفع حکومت سوریه و متحدان‌اش ممکن است در این باشد که "به اپوزیسیون (در مذاکرات) فقط به اندازه‌ی امتیاز بدهد که جنگجویان اپوزیسیون را به جای پیوستن به النصره و ادامه‌ی جنگ، در حاشیه نگه دارد یا توافق را به آنها بقبولاند." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژانویه 2017.

چالش‌های اصلی حزب‌الله همین بوده: تا کنون 1700 تا 1800 نیروی آن کشته شده‌اند. در مقایسه، حزب‌الله در جنگ هیجده ساله‌اش علیه اشغال لبنان از سوی اسرائیل، جمعا حدود 1200 نیرو از دست داد.²⁴ حزب‌الله برای فایق آمدن بر نگرانی‌اش از نیروی انسانی، عضوگیری از جامعه شیعه لبنان را افزایش داده و مشوق‌های آموزشی و مالی هم به آن افزوده‌است. رهبری حزب‌الله استدلال می‌کند که اگر در سوریه با افراطگرایی سنی نجنبند، مجبور خواهد بود در لبنان با آن بجنگد.²⁵ پیش از دخالت نظامی ماه مه 2013 حزب‌الله در سوریه، لبنان عمدتا از خشونت که در آن سوی مرزهایش جریان داشت در امان مانده‌بود. ولی کمی بعد، گفته‌ی حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله، ثابت شد: در عملیاتی که ظاهرا به تلافی دخالت حزب‌الله در سوریه انجام گرفت، بمب‌گذاران انتحاری اعزامی از سوریه، به شیعیان لبنان حمله کردند. دو مورد به‌ویژه چشمگیر عبارت بودند از انفجار یک خودرو بمب‌گذاری شده در محله‌ی عمدتا شیعه نشین العابد بیروت در ژوئیه 2013 که دست‌کم 53 نفر را زخمی کرد، و ماه پس از آن، یک حمله‌ی انتحاری در الرویس که دست‌کم 25 نفر را کشت و بیش از 200 نفر را زخمی کرد.²⁶

این رخدادها حزب‌الله را واداشت تا در وجهی خود بازنگری کند. حزب‌الله در آغاز حتا به طور علنی اذعان نمی‌کرد که جنگجویان‌اش در سوریه‌اند، و هنگام اعلام تلفات‌اش در سوریه، تنها از اصطلاح مبهم "ادای تکلیف جهادی" در مورد شرایط مرگ جنگجویان‌اش استفاده می‌کرد. ولی با افزایش حمایت مردمی از شرکت‌اش در جنگ، شروع کرد به حماسه‌سرایی در باره‌ی نقش جنگجویان‌اش، چرا که نیاز به جلب حمایت باز هم بیشتری داشت تا بتواند از پس مسئله‌ی فزاینده‌ی نیروی انسانی برآید. حزب‌الله از حوزه‌ی عادی عضوگیری‌اش، یعنی کادرهای حزبی فراتر رفته، با داوطلبان قراردادی کار می‌کند و دوره‌های آموزش کوتاه‌تری برای‌شان برگزار می‌کند - که به مفهوم کنار گذاشتن روش‌های دیرین حزب‌الله است.²⁷ این وضع به بسیاری از مردان جوان شیعه امکان داده‌است تا در عین حال که به صورت ماموریت چرخشی در سوریه می‌جنگند، در لبنان به زندگی ظاهرا عادی خود ادامه دهند.

این مردان دلایل متعددی برای موافقت با جنگیدن دارند. برخی انگیزه‌ی مالی دارند، ولی فرقه‌گرایی فزاینده و ترس از افراطگرایی سنی، پرجاذبه‌ترین انگیزه‌ها هستند. افزون بر این، در کشوری که دولت‌اش از تامین نیازهای اساسی مردم عاجز مانده، چشم‌انداز آینده‌ای مطمئنی، یا از آن مهم‌تر، حس کرامت ناشی از نبرد با جهادی‌ها در سوریه، به زندگی بسیاری کسان، معنا و هدف می‌بخشد.

قبل از پیوستن به حزب‌الله زندگی من بی‌معنی بود. از وقتی عضو حزب‌الله شدم، آرمائی دارم که برایش بجنگم، در جامعه هم شان و احترام به دست آورده‌ام. علاوه بر وظایف اجتماعی و نظامی‌ام، دارم به تکلیف دینی‌ام، یعنی خدمت به مردم، عمل می‌کنم.²⁸

حزب‌الله از چنین احساساتی استفاده کرده، و به اعضای جدیدش حس تعلق، بر خورداری از حمایت دیگران، و پاداش مالی بخشیده‌است، پاداشی که اگر در جنگ کشته شوند، به خانواده‌های‌شان می‌رسد. تحت رهبری

²⁴ یک مقام حزب‌الله گفت: "با توجه به ابعاد و اهمیت جنگ، تلفات جنگی ما محدود و قابل مدیریت بوده. تلفات ما در حلب بالا بود، ولی از آن به بعد پایین آمده. ساختار حزب‌الله توسعه‌ی چشمگیری پیدا نکرده. توان ما در جنگ، بیش از آن که کمی باشد، کیفی است." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژانویه 2017. در زمینه‌ی شمار تلفات، مصاحبه‌ی گروه بحران، مقام حزب‌الله، بیروت، مه 2016؛ و "ایا جنگ طولانی سوریه دارد حزب‌الله، متحد اصلی اسد، را فرسوده می‌کند؟"، کریسچن ساینس مانی‌تور، 4 اکتبر 2015.

²⁵ ر.ک. متن سخنرانی نصرالله، المنار، 26 ژوئن 2013.

²⁶ همچنین، بمب‌گذاری‌های انتحاری جداگانه به ترتیب در نوامبر 2013 و فوریه 2014، سفارت ایران و مرکز فرهنگی ایران در بیروت را هدف قرار داد. "گروه شورشی مسئولیت حمله‌ی بیرالعابد را به عهده گرفت"، و "بمب‌گذاران انتحاری 25 نفر را در نزدیکی سفارت ایران در بیروت کشتند"، *دیلی استار*، 11 ژوئیه و 19 نوامبر 2013؛ "انفجار مرگبار پایگاه حزب‌الله در لبنان را تکان داد"، *نیویورک تایمز*، 15 اوت 2013؛ "بمب‌گذار انتحاری مرکز ایرانی در لبنان را هدف قرار داد"، *رویترز*، 19 فوریه 2014.

²⁷ ر.ک. www.moqawama.org/essaydetails.php?eid=26124&cid=199. در اسلام، جهاد، به معنای تحت‌اللفظی "کوشش"، اشاره دارد به تلاش لازم برای مسلمان مومن شدن و گسترش اسلام. یکی از اجزای آن نظامی است (جنگ مقدس). حزب‌الله، جنگجویان خود را مجاهدین، یا رزمندگان جنگ مقدس، می‌خواند. تشییع جنازه‌ی جنگجویان کشته شده در سوریه تقریبا به نوعی مراسم بدل شده که در آن، با ورود هر "شهید" جدیدی، آتش‌بازی به پا می‌شود. یکی از ساکنان روستایی در جنوب لبنان گفت: "قبلا وقتی رزمنده‌ها ... در جنگ با اسرائیل کشته می‌شدند هیچ‌وقت صدای آتش‌بازی نمی‌شنیدیم". مصاحبه‌ی گروه بحران، جنوب لبنان، اوت 2016. اعضای جدید معمولا پیش از اعزام به سوریه، سه ماه آموزش می‌بینند و بابت زمانی که در جبهه‌اند، حقوق می‌گیرند. مصاحبه‌ی گروه بحران، جنگجوی تازه عضوگیری شده، بیروت، ژوئیه 2016.

²⁸ مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، اوت 2016.

حزب الله، جامعه‌ی شیعه‌ی لبنان خاطره‌ی هر شهید را گرامی می‌دارد، و احترام ویژه‌ای به مادر او (ام‌الشهدی) به پاس از خودگذشتگی‌اش نثار می‌کند. این گونه آیین‌های اجتماعی و دینی، خانواده‌های جنگجویان را به هم نزدیکتر می‌سازد و آنها را در جامعه‌ای همبسته‌تر - گرچه فرقه‌ای‌تر - به هم می‌پیوندد، و دیگران را تشویق می‌کند که به همان اندازه برای فدا کردن فرزندان خود آماده باشند.²⁹ هرچند به نظر می‌آید که اکثریت شیعیان لبنان -- دست‌کم فعلا -- استوار پشت حزب الله ایستاده باشد، ندهای تردیدآمیزی ناشی از خشونت فزاینده در سوریه نیز به گوش می‌رسد، که مهارت نظامی حزب الله و چشم‌انداز بازگشت زود هنگام و پیروزمندانه‌ی جنگجویان به خانه را زیر سؤال می‌برد. یک استاد دانشگاه که با حزب الله پیوندهایی دارد، با تردید در باره‌ی روایت پیروزمندانه‌ی حزب الله در طول نبردهای ماه مه 2016 در منطقه‌ی قلمون، گفت: "در روزهای اخیر، آن قدر پیروزی‌های استراتژیک به دست آمده که آدم را به فکر می‌اندازد که اصلا چطور این نقاط استراتژیک را از دست داده‌بودند."³⁰

تلاش برای اتحاد، به‌سختی می‌تواند عارضه‌ای خاص را در میان هواداران حزب الله پنهان کند، هوادارانی که حسرت مبارزه با اسرائیل را می‌خورند، مبارزه‌ای که سرچشمه‌ی غرور و اجماع در سطح منطقه بود. یک جنگجوی حزب الله گفت: "البته که آرزو داشتم به جای حضور در درگیری‌ای که دنیای عرب را دچار تفرقه کرده، با اسرائیل می‌جنگیدیم." بسیج نظامی، حزب الله را وادار کرده‌است که در زمینه‌ی محدودیت‌های اجتماعی نرمش بیشتری نشان دهد، که این امر، تردید برخی از کادرهای متعصب را برانگیخته‌است. یکی از اعضای حزب الله که در گذشته با اسرائیل جنگیده‌است گفت: "نسل ما تمام شب قبل از عملیات نماز می‌خواند. حالا بعضی از این افراد را می‌بینیم که قبل از اعزام به سوریه، روزشان را در کافه‌ها به قلیان کشیدن می‌گذرانند."³¹ شاید بتوان گفت آنچه بیشترین لطمه را به شهرت حزب الله زده، اجبار این گروه به بازی با برگ فرقه‌گرایی است. این امر می‌تواند در نهایت رابطه‌ی حزب الله و نیز کل جامعه‌ی شیعه را با محیط پیرامون به خطر اندازد. یک روحانی عراقی که پیوندهایی با حزب الله دارد گفت:

چه چیزی شیعیان جوان (لبنانی) را به جنگ در سوریه برمی‌انگیزد؟ افراد خیلی کمی به خاطر بشار یا ایران حاضرند به سوریه بروند. تکتک سنگ‌های حرم سیده زینب (در دمشق) است که آنها را بسیج می‌کند. ولی این قضیه می‌تواند در درازمدت خیلی خطرناک باشد. یک روز رهبران طرف‌های درگیر ممکن است دور میز مذاکره بنشینند، ولی التیام عواطف زخم خورده از این شکاف فرقه‌ای بسیار دشوار خواهد بود."³²

محاصره‌ی منجر به گرسنگی دو روستای عمدتا سنی‌نشین سوریه - زبدانی و مضایا -- از سوی حزب الله (از سال 2015) از همان منطق فرقه‌گرایی‌های شورشیان سنی پیروی می‌کرد که دو روستای شیعه‌نشین در شمال ادلب -- فوعه و کفریا - را محاصره کردند.³³ هم حزب الله و هم شورشیان سنی، برای گرفتن امتیاز، ساکنان این روستاها را زیر حمله دائمی با راکت و تکتیرانداز گرفته‌اند.³⁴ در سپتامبر 2015، حزب الله و نیروهای

²⁹ مصاحبه‌های گروه بحران، مقام‌ها و جنگجویان حزب الله، بیروت، مه 2015-نوامبر 2016. پژوهشگری که در مورد حزب الله تحقیق می‌کند گفت: "زن‌ها نقش مهمی در داخل حزب دارند. مادران، همسران و دختران از نظر مذهبی و روانی توسط دیگر اعضای حزب برای پذیرش اندیشه‌ی جهاد و شهادت آماده می‌شوند. آماده‌ی این احتمال می‌شوند که فرزندان، همسران یا پدران‌شان، جنگجو شوند و در جنگ کشته شوند." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، اکتبر 2016.

³⁰ تحقیق ژوئیه 2015 حیا بینا در النهار، همان. مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مه 2016.

³¹ مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مه، سپتامبر 2016. رفتار برخی اعضای جوان و جدید که عاری از انضباط مذهبی کادرهای حزب الله است چالشی برای حزب الله در داخل لبنان به شمار می‌آید. به گفته‌ی یک مقام محلی حزب الله، "بعضی‌ها... با ساکنان محل دعوا راه انداخته‌اند یا در جامعه رفتار متکبرانانه داشته‌اند. باید ارشادشان کنیم." مصاحبه‌ی گروه بحران، جنوب لبنان، اوت 2016.

³² مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مه 2016.

³³ گروه‌های شورشی در مارس 2015 کنترل شهر ادلب را به دست گرفتند و به تهاجم در مناطق روستایی اطراف ادامه دادند، و روستاهای شیعه‌نشین فوعه و کفریا را محاصره کردند. در ماه ژوئیه، نیروهای حکومت و حزب الله روستاهای سنی‌نشین مضایا و زبدانی را در جنوب آن ناحیه محاصره کردند. چند هفته پیش از آن، بمباران شنید زبدانی باعث شد 20 هزار جنگجو و غیرنظامی در مضایا پناه بگیرند. "مضایا: دو روستای دیگر سوریه که 20 هزار نفر در محاصره‌ی شورشیان گرسنگی می‌کشند"، ایندیندنت، 12 ژانویه 2016؛ "نیروهای سوری حلقه‌ی محاصره‌ی شورشیان را در زبدانی تنگ کردند"، بی‌بی‌سی، 4 ژوئیه 2015؛ "کالبدشکافی یک محاصره: حکایت مضایا"، سیریا دیپلی، 28 ژانویه 2016.

³⁴ بنا به گزارش‌ها، حزب الله کنترل ایست‌های بازرسی اطراف مضایا و زبدانی را به دست گرفت، و با فساد و قاچاق که با رضایت نیروهای حکومت انجام می‌شد مبارزه کرد. وضعیت انسانی به شکل چشمگیری وخیم شد، و به‌رغم تحویل محموله‌های امدادی، در زمستان 2015-2016 ده‌ها نفر در مضایا از گرسنگی جان دادند. اکنون حدود 40 هزار نفر، عمدتا غیرنظامی، در مضایا و زبدانی ساکن‌اند، و بین 21 تا 22 هزار نفر، عمدتا غیرنظامی، در فوعه و کفریا. "محاصره در سوریه: سودجویی از فلاکت"، موسسه خاورمیانه، ژوئن 2016؛ "سازمان ملل می‌گوید به‌رغم تحویل محموله‌ی امدادی، پنج

حکومت سوریه به توافقی با مخالفان رسیدند - "توافق چهار شهر" - که امکان کمک‌رسانی و تخلیه‌ی ساکنان را در هر چهار شهر فراهم می‌آورد، ولی هر دو طرف مکرراً مانع اجرای توافق شده‌اند.³⁵ هرچند در فضای زیست‌اپوزیسیون سوریه، روایت‌های فراوانی از فشار ایران، حزب‌الله و دیگر شبه‌نظامیان شیعه برای گرویدن سوری‌ها به مذهب شیعه ذکر می‌شود، راستی‌آزمایی ابعاد چنین امری دشوار است. دلایلی برای تردید در این زمینه وجود دارد: شیعیان کمتر از یک درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند، که برای تبلیغ دینی، پایه‌ی ضعیفی است.³⁶ باین‌همه، آیین‌های مذهبی شیعه، به‌ویژه مراسم عاشورا، بیشتر به چشم می‌آیند، و در برخی موارد با تحریکات فرقه‌ای نیز همراه‌اند.³⁷ یک امدادگر سوری که در دمشق کار می‌کرد توضیح داد:

به‌سختی بشود به سؤال در مورد تشیع جواب قطعی داد. قطعاً شیعه‌ها تشویق می‌شوند که هویت مذهبی خودشان را آشکارتر به نمایش بگذارند. قبلاً در سوریه هیچ‌گاه شاهد برگزاری مفصل مراسم شیعه مثل عاشورا نبودیم.... همین‌طور هم، آنگاه به باب‌توما (یک محله‌ی مسیحی‌نشین قدیمی دمشق) بروید، نمادهای مذهبی شیعه‌ی زیادی می‌بینید. حتماً مسیحی‌ها هم از حضور سنگین شیعه‌ها شکایت دارند.³⁸

بسیاری از مخالفان حکومت سوریه باور دارند که استراتژی درازمدت حزب‌الله، تخلیه‌ی منطقه‌ی مرزی همجوار با دره‌ی بقاع - ناحیه‌ی ای در لبنان که عمده جمعیت‌اش شیعه‌اند - از جمعیت سنی آنجاست.³⁹

نفر در مضایا از گرسنگی مردند"، ایندیندنت، 18 ژانویه 2016؛ مصاحبه‌های تلفنی گروه بحران، جنگجو، کنشگر، پزشک، مقام محلی سوری، زبدانی، مضایا، فوعه، اکتبر 2016، فوریه 2017. یک مقام محلی فوعه شکوه کرد: "ما شاهد یک فاجعه‌ی واقعی هستیم.... دیروز یک مرد جوان با آتش تک‌تیراندازها کشته شد؛ یک زن تقریباً دیوانه شد.... چون چهار روز است که نتوانسته به چهار بچه‌اش غذا بدهد". مصاحبه تلفنی گروه بحران، فوریه 2017. یک کنشگر در مضایا گفت: "ما در زندان زندگی می‌کنیم. ولی زندانی‌ها هم از غذا و مراقبت پزشکی برخوردارند.... ما را اینجا رها کرده‌اند تا بمیریم.... حس می‌کنیم غارنشین‌ایم، کاملاً از دنیای بیرون بریده‌ایم". مصاحبه تلفنی گروه بحران، فوریه 2017.

35 "دیدبان محاصره، سومین گزارش سه ماهه در باره‌ی مناطق محاصره شده در سوریه"، پکس و موسسه‌ی سوری، ژوئیه 2016. مصاحبه‌های تلفنی گروه بحران، کنشگر و پزشک سوری، مضایا، اکتبر 2016. این کنشگر گفت: "اگر کسی زخمی بشود، امکان ندارد بشود او را از اینجا بیرون برد، مگر این که کسی از فوعه یا کفریا همان زخم را برداشته باشد. اگر کسی آنجا گلوله بخورد، حزب‌الله آن‌قدر به ما تیراندازی می‌کند تا اینجا هم کسی همان زخم را بردارد، و بعد هم‌زمان همه را وادار به تخلیه می‌کنند". یک مقام محلی فوعه گفت: "اگر به مضایا راکت شلیک شود، تروریست‌ها یک روز تمام ما را گلوله‌باران می‌کنند. همه چیز را از بین برده‌اند.... حتماً علفی که برای زنده ماندن می‌خوریم الان (به دلیل سرما) یخ زده. از ماه نوامبر نگذاشته‌اند کمکی به اینجا برسد". مصاحبه تلفنی گروه بحران، فوریه 2017. طبق "توافقات‌مهی چهار شهر"، اجازه‌ی کمک‌رسانی منقطع به روستاها داده شده، ولی این کمک برای تامین نیازهای اولیه نیز کافی نیست.

³⁶ شیعیان سوریه در جوامع کوچکی در دمشق، شهرهای ساحلی، درعا، حمص، ادلب و حلب زندگی می‌کنند. مصاحبه‌های تلفنی گروه بحران، کارشناسان امور سوریه، فوریه 2017. به گفته‌ی یوسف کورباز، جمعیت‌شناس، در سال 2012 شیعیان تنها 0/4 درصد از جمعیت را تشکیل می‌دادند. *Ce que la démographie nous dit du conflit syrien*، اسلیت، 15 اکتبر 2012. در سال 1973، موسی صدر، روحانی شیعه‌ی لبنانی، فتوایی صادر کرد که علویان را به عنوان بخشی از فرقه‌ی شیعه به رسمیت می‌شناخت. باین‌همه، شیعیان و علویان آموزه‌های مذهبی و اجتماعی متفاوتی دارند. "روابط مذهبی ایران و سوریه"، موسسه صلح ایالات متحده، 3 ژوئن 2013.

³⁷ یک جنگجوی زبدانی شکوه کرد: "آنها پرچم حزب‌الله را بر فراز مهم‌ترین مسجد شهر ما به اهتزاز درآوردند (در اوت 2015 که نبردها هنوز در جریان بود). خیلی تحریک‌آمیز بود. من خیلی مذهبی نیستم، ولی خون‌ام به جوش آمد، یعنی می‌توانید تصور کنید به یک آدم مومن چه حالی دست می‌داد!" مصاحبه تلفنی گروه بحران، اکتبر 2016. www.youtube.com/watch?v=PoaukKFgvLo یک امدادگر سوری در دمشق گفت: "با افزایش نفوذ حزب‌الله و ایران، شاهد اعمال تحریک‌آمیز زیادی در مناطق سنی‌نشین از قبیل کفر سوسه در دمشق هستیم. شبه‌نظامی‌های شیعه از توی ماشین‌های‌شان شعارهای شیعی می‌دهند و تفنگ‌های‌شان را از پنجره بیرون می‌آورند. در میدان هم همین کار را می‌کنند، میدان محله‌ای با جمعیت سنی خیلی متراکم است. این کارها خیلی حساس و تحریک‌آمیز است". مصاحبه تلفنی گروه بحران، نوامبر 2016.

³⁸ مصاحبه‌ی تلفنی گروه بحران، نوامبر 2016. حضور یک زیارت‌گاه شیعه که گردشگران مذهبی را جلب می‌کند، و نیز یک جمعیت کوچک شیعه در محله‌ی مجاور باب‌توما، شاید این نمایش فرقه‌گرایانه را توضیح دهد.

³⁹ مصاحبه‌های تلفنی گروه بحران، جنگجو، کنشگر، پزشک سوری، زبدانی، مضایا، اکتبر 2016. یک روزنامه‌نگار سوری پیش‌بینی کرد: "حزب‌الله هرگز به مردم اجازه نخواهد داد به منطقه برگردند". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، سپتامبر 2016. هرچند حزب‌الله و متحدان‌اش ممکن است اجازه‌ی بازگشت کامل آوارگان را به منطقه‌ی مرزی ندهند، حزب‌الله بنا به گزارش‌ها با جناح‌های شورشی بر سر بازگشت تا 300 هزار آواره‌ی سوری مذاکره کرده‌است، با اولویت آوارگان شهر عرسال در شمال شرقی لبنان، که اکثریت‌شان از منطقه قلمون کوچ کرده‌اند. مصاحبه‌ی گروه بحران، دبیلماست غربی، مارس 2017. ر.ک. "دیپلماسی حزب‌الله در قلمون"، شورای آتلانتیک، 1 مارس 2017؛ "تحلیل: «منطقه‌ی امن» در مرز لبنان به سود حزب‌الله و ایران خواهد بود"، سیریادپیلی، 7 مارس 2017.

عجالتا به نظر می‌رسد که حزب‌الله اندیشیدن به این که چگونه نقش خود در سوریه را محدود سازد یا آسیبی را که این نقش به بار آورده ترمیم کند، به تاخیر انداخته‌است. حزب‌الله دارد از نظر روانی برای جنگی طولانی آماده می‌شود. یک مقام ارشد حزب‌الله گفت: "تا هر زمانی لازم باشد به جنگ ادامه می‌دهیم؛ اگر بنا باشد ده یا بیست سال هم طول بکشد، مسئله‌ای نیست. ما آماده‌ایم و مردان جوان ما انگیزه دارند. از این گذشته، چه گزینه‌ی دیگری داریم؟". در یک نمونه‌ی گویا، در اکتبر 2016، حزب‌الله شعار "صبر و ظفر" را برای عاشورا انتخاب کرد.⁴⁰ همچنین، حزب‌الله هنوز شروع به اندیشیدن در این باره نیز نکرده‌است که وقتی درگیری به پایان برسد، باید چه کند. یک مقام ارشد حزب‌الله گفت که جنگجویان این گروه به لبنان خواهند گشت، چراکه حزب‌الله فرض را بر این گذاشته که یک توافق سیاسی، حکومت سوریه را در قدرت نگه خواهد داشت و به این ترتیب، منافع حزب‌الله و ایران را حفظ خواهد کرد.⁴¹ با این‌همه، به نظر می‌رسد راه درازی تا رسیدن به توافق در پیش باشد.

در سطح مردمی درون سوریه، ظاهراً حزب‌الله روی آنهایی شرط بسته‌است که به‌رغم ناخشنودی‌شان از حکومت سوریه، برای حفظ منافع خودشان، از محور طرفدار حکومت پشتیبانی می‌کنند.⁴² حزب‌الله در روابط خود با آوارگان (عمدتاً سنی) سوری در لبنان، خویشتنداری نشان داده، ورودشان را به مناطق تحت نفوذ خود خوشامد گفته (در عین نظارت دقیق بر آنها برای ردگیری فعالیت‌های سیاسی)، و اطمینان حاصل کرده‌است که طرفدارانش با آنها درگیر نمی‌شوند.⁴³ مقام‌های حزب‌الله که با شهرداری‌های محلی یا سازمان‌های مددکاری حزب‌الله همکاری دارند، در مناطق عمدتاً شیعه‌نشین به سوری‌ها خدمت‌رسانی کرده‌اند تا حسن‌نیت متقابل را تحکیم کنند. حزب‌الله عقیده دارد که در آینده می‌تواند روی پشتیبانی این پناهجویان حساب کند. با این‌همه، اگر و هرگاه جنگ به پایان برسد، حزب‌الله و متحدانش هنوز با تهدید خشونت‌های سنی‌های جهادی در سوریه و لبنان مواجه خواهند بود، امری که بازتابی است از زخم باز فرقه‌گرایی، و رقابت‌های مستمر میان عربستان سعودی، و نیز میان ترکیه و ایران، که جلوی التیام این زخم را می‌گیرد.⁴⁴

B. تحریم‌های عربستان سعودی

دخالته حزب‌الله در سوریه باعث تغییر نگرش دیگر بازیگران منطقه‌ای به این گروه نیز شده‌است. حزب‌الله از جایگاه یک مزاحم – یعنی رقیب شرکای عربستان سعودی در لبنان، از قبیل "جریان آینده" سعد حریری – تبدیل به بازیگری پراهمیت در منطقه شده‌است. حزب‌الله این اهمیت را هم برای نقش خودش کسب کرده، و هم -- حتا بیش از آن -- نفوذ زیادی به ایران بخشیده‌است. این دگرپرسی، تلنگری جدی به دشمنان حزب‌الله وارد آورده‌است.

در فاصله‌ی پایان جنگ داخلی لبنان تا ترور رفیق حریری، نخست وزیر پیشین آن کشور (و پدر سعد حریری)، لبنان زیر سلطه‌ی سوریه بود. عربستان سعودی، میانجی اصلی موافقتنامه‌ی طائف که به جنگ داخلی

40 مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، آوریل 2016؛ مشاهده، بیروت، اکتبر 2016.

41 مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، اکتبر 2016. چند ماه بعد، یک مقام حزب‌الله گفت: "هنوز خیلی زود است که بشود گفت نقش آینده‌ی حزب‌الله در سوریه چه خواهد بود. این بستگی دارد به این که چه نوع راحلی به دست بیاید. تا به حال، حزب‌الله به دنبال هدف‌های میدانی خودش بوده. هنوز وارد گفتگوی سیاسی نشده‌ایم". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژانویه 2017. در ژانویه 2017، در پی آتش‌بسی با میانجیگری روسیه و ترکیه (که بنا به گزارش‌ها آنکارا خواهان بیرون رفتن همه‌ی جنگجویان خارجی شده بود)، علی اکبر ولایتی، مشاور عالی رهبر ایران، گفت "این ادعا که حزب‌الله بعد از آتش‌بس، از سوریه خواهد رفت، تبلیغات دشمن است". نقل شده در الشرق الاوسط، 4 ژانویه 2017.

42 یک مقام حزب‌الله گفت: "شاید حکومت، سراسر سوریه را در کنترل نداشته‌باشد، ولی بیش از 60 درصد از جمعیت در مناطق زیر کنترل حکومت زندگی می‌کنند. (در این مناطق) مردم احترام و ستایش زیادی (برای حزب‌الله) قائل‌اند". مصاحبه‌ی گروه بحران، مارس 2016. ولی پژوهش گروه بحران در سوریه و لبنان نشان می‌دهد که بسیاری از سوری‌ها عمیقاً از حزب‌الله نفرت دارند.

43 مشاهدات گروه بحران، بیروت، جنوب لبنان، دره‌ی بقاع، ژانویه 2013- اکتبر 2016. نصرالله از دولت خواست با آوارگان رفتاری انسانی داشته‌باشد. در سال 2013، او درخواست‌های متحد مسیحی‌اش "جنبش آزاد میهنی" به رهبری عون مبنی بر بستن مرزها را رد کرد. نصرالله همچنین از طرفدارانش خواست به آوارگان سوری حمله نکنند. او از دولت خواست در هماهنگی با دمشق، بازگشت امن آوارگان به مناطق مختلف سوریه را تضمین کند. *الاحبار*، 3 ژانویه 2013؛ "نصرالله: حزب‌الله مخالف دخالت آمریکا در سوریه است"، *نیلی استار*، 23 سپتامبر 2014؛ *المنار*، 13 فوریه 2017.

44 یک مقام ارشد حزب‌الله پیش‌بینی کرد: "حتا اگر توافقی به دست بیاید، جبهه‌النصره و داعش به آن پایبند نخواهند ماند. هنوز گروه‌هایی در مناطق روستایی باقی می‌مانند که علیه حکومت دست به حملات تروریستی بزنند". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، اکتبر 2016. یک عضو حزب‌الله گفت: "سوری‌ها مخالف ما نیستند. آواره‌ها می‌بینند که در ضاحیه، در جنوب و در بقاع چه رفتاری با آنها داریم". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مه 2016. پژوهش گروه بحران در لبنان تایید می‌کند که آوارگان در مناطق زیر نفوذ حزب‌الله اکثراً از رفتاری منصفانه و از ایمنی برخوردار بوده‌اند.

لبنان خاتمه داد، از طریق حریری نفوذ زیادی در آن کشور داشت و نقش حزب الله را تا زمانی که هدف اصلی اش رویارویی با اسرائیل بود، به اکراه پذیرفته بود. ترور رفیق حریری وضع را عوض کرد، زیرا ریاض، کشورهای غربی و برخی دیگر، انگشت اتهام را به سوی حکومت سوریه - و به طور غیرمستقیم به سوی حزب الله - نشانه رفتند. با این همه، روابط عربستان سعودی و حزب الله ادامه یافت، حتی در طول جنگ سال 2006، که ریاض حزب الله را متهم به آغاز آن کرد.⁴⁵ بین سال های 2006 و 2008، حزب الله از اصطکاک با منافع عربستان در لبنان خودداری می کرد، زیرا از وجهی رهبری عربستان در جهان سنی آگاه بود.⁴⁶ در جریان درگیری ماه مه 2008 در بیروت، حزب الله شکست خفتباری را به "جریان آینده" و دیگر نیروهای شبه نظامی سنی تحمیل کرد، به گونه ای که سفیر عربستان و ده ها تن دیگر ناچار از فرار شدند.⁴⁷ عربستان سعودی با درک نامتعادل بودن توازن قوا در صحنه عمل، خواستار آرامش شد و به حریری فشار آورد تا امتیاز بدهد، که حاصل آن، موافقتنامه‌ی دوحه بود.⁴⁸

بهار عرب و جنگ سوریه، این دگرگونی را کامل کرد. حزب الله به دفاع از شیعیان در سراسر منطقه شتافت و دخالت نظامی مارس 2011 عربستان در بحرین و برخورد ریاض با جمعیت شیعی خود عربستان در استان شرقی آن کشور را محکوم کرد.⁴⁹ در دسامبر 2013، حزب الله ریاض را به طراحی حملات انتحاری در مناطق عمدتاً شیعه نشین لبنان متهم کرد، و در آوریل 2015، اتهام "نسل کشی و جنایت" در یمن را به عربستان سعودی وارد کرد. یک ماه پیش از آن، نصرالله مستقیماً به اعضای خاندان سلطنتی عربستان توهین کرده بود.⁵⁰ عربستان سعودی هم به نوبه‌ی خود دخالت حزب الله در سوریه را محکوم کرد، و یک مقام سعودی، این دخالت را "تجاوز" خواند. در سال 2016، یک مقام نظامی عربستان، حزب الله را به اعزام "مزدور" به یمن برای حمایت از حوثی ها متهم کرد. ولی آنچه بیشتر از هر چیزی تکرار شد، این بود که مقام ها و رسانه های لبنان که از حمایت عربستان برخوردار بودند، نقش اصلی را در انتقاد از حزب الله و دفاع از عربستان سعودی بر عهده گرفتند.⁵¹ نه تنها حزب الله، که عربستان سعودی نیز موضع خود را در منطقه عوض کرد. پاسخ عربستان به قیام های سال 2011، سیاست خارجی جدید و آمرانه تری بود. دخالت عربستان در بحرین، پشتیبانی نظامی اش از

45/الجزیره، 14 ژوئیه 2006.

46 برای تاریخچه، ر.ک. گزارش خاورمیانه شماره 39 گروه بحران، سوریه پس از لبنان، لبنان پس از سوریه، 12 آوریل 2005. "حزب الله حمله‌ی لفظی به ریاض را تشدید کرد"، *المانیتور*، 10 دسامبر 2013. در سال های 2006-2008، نصرالله علناً به عربستان سعودی حمله نمی کرد، و در عوض، بر "جریان آینده"، متحد لبنانی عربستان، متمرکز بود. مشاهدات گروه بحران، بیروت.

47 در ماه مه 2008، پس از آن که دولت تصمیم گرفت شبکه‌ی مخابراتی مستقل حزب الله را منحل کند، حزب الله و برخی از متحدان اش، عملیات نظامی عمده‌ای انجام دادند. آنها با سرعت، منطقه عمدتاً سنی نشین غرب بیروت را به کنترل خود درآوردند، سعد حریری، نخست وزیر (و پسر رفیق حریری) را در اقامتگاه اش محاصره کردند و دفترهای کانال تلویزیونی حریری و روزنامه هایش و دفترهای "جریان آینده" را اشغال کردند. حزب الله همچنین در جبل لبنان، با شبه نظامیان دروز حزب سوسیالیست مترقی ولید جنبلاط درگیر شدند. گزارش خاورمیانه شماره 23 گروه بحران، لبنان: سلاح های حزب الله رو به داخل می چرخند، 15 مه 2008؛ "200 نفر از لبنان به قبرس گریختند"، *ناو*، 12 مه 2008.

48 موافقتنامه‌ی دوحه باعث پیدایش یک دولت وحدت ملی به رهبری حزب الله در هشتم مارس شد، که حزب الله در آن حق وتو داشت. "توافق جناح های لبنان، حزب الله را نیرومندتر کرد"، *نیویورک تایمز*، 22 مه 2008.

49 در آغاز بهار عرب، ولی پیش از جنگ سوریه، نصرالله صراحتاً به عربستان سعودی حمله نمی کرد، ولی از سرکوب "تظاهرکنندگان صلحجوی شیعه" انتقاد می کرد و نوک نیز حمله اش را متوجه خاندان آل خلیفه، حاکم بحرین، می کرد. ر.ک. گزیده‌هایی از سخنرانی او در 19 مارس 2011، www.youtube.com/watch?v=A18uxsK4pkY. او با اشاره به استان عمدتاً شیعه نشین شرقی عربستان، گفت که مقام های سعودی "خواستار رفتار اخلاقی (در سوریه) اند. مردم قطیف و عوامیه حتی خواهان سرنگونی رژیم هم نیستند؛ تنها خواسته‌ی آنها حقوقی اندک، اصلاحاتی اندک و کمی توسعه است. آنها در یکی از ثروتمندترین مناطق، در فقر زندگی می کنند. پاسخ آنها چیست؟ گلوله و تانک، راه حل نظامی، و... رافضی و جنایتکار خواندن. (تظاهر کنندگان)". ر.ک. سخنرانی 24 فوریه 2012،

www.youtube.com/watch?v=ZfuRjpl3zZc

50 "نصرالله: دست سعودی در پشت بمب گذاری سفارت ایران در بیروت است"، *العالم*، 4 دسامبر 2013. *دبلیو استار*، 15 آوریل 2015. حزب الله اهمیت خاصی برای جنگ یمن قائل است. رهبران، مقام ها و رسانه های آن، روایتی ضدسعودی شکل داده اند که بر تلفات انسانی ناشی از حملات هوایی و باتلاقی که آنها می گویند عربستان در آن گرفتار شده، تاکید دارد. "حمله‌ی نصرالله برای عملیات یمن، نصرالله می گوید عربستان جز فرستادن داعش برای اعراب کاری نکرد"، *نهارنت*، 27 مارس 2015.

51 رویترز، 25 ژوئن 2013. وزیر خارجه وقت، سعود الفیصل، گفت: "خطرناکترین تحول (در سوریه) مشارکت خارجی است که نمادش حزب الله و دیگر شبه نظامیانی اند که از حمایت نیروهای سپاه پاسداران ایران برخوردارند". *العربییه*، 24 فوریه 2016. "حریری: اتهامات حزب الله علیه عربستان سعودی همسو با حکومت های ایران و سوریه است"، *نشنال نیوز ایجنسی*، 3 ژانویه 2013.

شورشیان سوریه، افزایش کمک‌هایش به کشورهای بدون نفت همچون اردن و مراکش، و دعوت‌اش از حکومت‌های پادشاهی آن دو کشور به پیوستن به شورای همکاری خلیج (GCC) برای ایمن سازی آنها در برابر خیزش‌های مردمی، و جنگ ماه مارس 2015 در یمن، همه نشانه‌های تغییرات چشمگیری در سیاست عربستان بودند. دست عربستان سعودی تنها در لبنان بسته بود، که دلیل‌اش سلطه‌ی حزب‌الله بود. در نتیجه، عربستان از راه‌های سیاسی و مالی شروع به مهار نفوذ حزب‌الله کرد.

در فوریه 2016، عربستان تعهد کمک نظامی سه میلیارد دلاری به نیروهای مسلح لبنان (LAF) و کمک برنامه‌ریزی شده‌ی دیگری به مبلغ یک میلیارد دلار به نیروهای امنیت داخلی لبنان (ISF) را لغو کرد. بنا به گزارش‌ها، دلیل این تصمیم، خودداری لبنان از محکوم کردن حملات ماه ژانویه به نمایندگی‌های دیپلماتیک سعودی در ایران بود، یا چنان که رسانه‌های رسمی عربستان گفتند، "مواضع خصمانه‌ی لبنان که ناشی از سلطه‌ی حزب‌الله بر دولت است".⁵² اقدام عربستان، باعث محرومیت ارتش لبنان از تجهیزات و سلاح‌هایی شد که برای مقابله با تهدیدات ناشی از جنگ داخلی سوریه لازم داشت، و بسیاری از لبنانی‌ها، حزب‌الله را در این میان مقصر شمردند. یکی از مخالفان سرسخت حزب‌الله که پیوندهای نزدیکی با عربستان دارد، شکوه کرد که: "تنها نتیجه‌ی این پا پس کشیدن عربستان، قدرت گرفتن حزب‌الله و تقویت سلطه‌ی ایران بر لبنان خواهد بود".⁵³

ضدیت با حزب‌الله در مارس 2016 به اوج خود رسید، زمانی که شورای همکاری خلیج، حزب‌الله را گروهی تروریستی خواند (تلاش مشابهی در سال 2013 با عدم اتفاق آرای اعضا، بی‌نتیجه مانده بود). کمی بعد، اتحادیه‌ی عرب و سازمان همکاری اسلامی (OIC) از این اقدام پیروی کردند. این تصمیم تأثیر مستقیم چندانی بر حزب‌الله نداشت - جز اخراج چند شهروند لبنانی به اتهام ارتباط با حزب‌الله - چرا که این گروه منافع عمده‌ای در خلیج نداشت.⁵⁴ ولی اهمیت نمادین آن، چشمگیر بود، چرا که آشکار ساخت که حزبی که زمانی برای مقاومت قهرمانانه در برابر اسرائیل، از ستایش تاریخی برخوردار بود، اکنون از سوی بخش مهمی از جهان عرب طرد می‌شود.

جنگ سوریه، رقابت میان عربستان و ایران را به مناقشه‌ی نیابتی بی‌پرنده‌ای بدل کرده‌است، نه تنها بر سر منافع هر یک از آن دو کشور - که شاید آشتی‌پذیر باشند - بلکه بر سر مسئله‌ی هویت. این امر، شعارهای فرقه‌گرایانه را تندتر کرده و ناسزاگویی متقابل سنی‌ها و شیعیان را دامن زده‌است. مقام‌های حزب‌الله و ایران، نمونه‌هایی از تعصب علیه شیعیان در گفتمان سیاسی و مذهبی عربستان سعودی را به عنوان عامل بن‌بست سیاسی در سوریه و نقاط دیگر عنوان کرده‌اند.⁵⁵ عربستان سعودی علیه آنچه که توسعه‌طلبی مشترک ایرانی-

⁵² بنا به تعهدی که در سال 2013 اعلام شد، فرانسه 3 میلیارد دلار سلاح به ارتش لبنان تحویل می‌دهد که هزینه‌اش را عربستان سعودی می‌پردازد. اولین محموله در آوریل 2015 تحویل شد. "لبنان اولین محموله‌ی سلاح‌های فرانسوی را دریافت کرد"، *دبلیو استار*، 20 آوریل 2015. پس از اعدام نمر النمر، روحانی شیعه در عربستان سعودی، در 2 ژانویه 2016، تظاهرکنندگان، سفارت عربستان در ایران را غارت کردند و به آتش کشیدند. "تظاهرکنندگان ایرانی پس از اعدام روحانی شیعه، سفارت عربستان را غارت کردند"، *نیویورک تایمز*، 2 ژانویه 2016. *دشنام*، 27 فوریه 2016.

⁵³ "اتهامات تجاری لبنان در مورد تطبیق کمک سعودی"، *اسوسی‌تی‌پرس*، 21 فوریه 2016؛ مصاحبه‌های گروه بحران، بازرگانان، اهالی، بیروت، آوریل 2016. "عربستان سعودی، پروژه‌ی ایرانی در لبنان را مجازات کرد"، *الشرق الاوسط*، 20 فوریه 2016. مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، آوریل 2016. پس از پیروزی در انتخابات اکتبر 2016، میشل عون، رئیس جمهوری لبنان، عربستان سعودی را به عنوان مقصد اولین سفرش برگزید. (داماد عون، جبران باسیل، که وزیر خارجه است، از امضای بیانیه‌ی مارس 2016 اتحادیه‌ی عرب که در آن ایران و حزب‌الله محکوم شده‌بودند، خودداری کرده‌بود). مقام‌های حزب‌الله می‌گویند این دیدار نتیجه‌ی عمده‌ای در برداشت. "وزیر سعودی در دیدار با عون گفت سفیر جدید عربستان در لبنان منصوب شد"، *نهارنت*، 6 فوریه 2017؛ مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژانویه 2017.

⁵⁴ "کشورهای عرب خلیج، حزب‌الله را سازمانی تروریستی خواندند"، *رویترز*، 2 مارس 2016. در سال 2013، تلاش برای محکوم کردن حزب‌الله و قطع رابطه با آن، تفرقه در میان اعضای شورای همکاری خلیج را آشکار کرد؛ تنها بحرین آن را تروریستی خواند، و قطر کمی بعد، بخشی از روابط خود را با حزب‌الله از سر گرفت، زمانی که دوحه در راهی 9 زائر شیعه‌ی لبنانی که توسط گروه سوریه عزاز در شمال سوریه گروگان گرفته شده‌بودند، میانجیگری کرد. "کشورهای حاشیه‌ی خلیج توافق کردند حزب‌الله را در لیست سیاه تروریسم قرار دهند"، *العربییه*، 17 ژوئیه 2013؛ "شورای همکاری خلیج، قرار دادن حزب‌الله در لیست سیاه تروریستی را منتفی دانست"، *نهارنت*، 10 سپتامبر 2013. "عربستان سعودی فشار بر حزب‌الله را افزایش می‌دهد"، *موسسه بروکینگز*، 29 مارس 2016. "مهاجران لبنانی بیم دارند کشورهای حاشیه‌ی خلیج، ده‌ها نفر را به اتهام ارتباط با حزب‌الله اخراج کنند"، *رویترز*، 8 آوریل 2016.

⁵⁵ یک مقام ایران گفت: "عربستان سعودی برای ایران هیچ حقی در منطقه قائل نیست. شیعیان و ایران برای‌اش بهترین دشمن‌اند. مثلاً سوریه را در نظر بگیرید. چرا در باره‌ی سوریه با روسیه صحبت می‌کنند ولی با ما نه؟ دشمنی با ایران و شیعیان تبدیل شده به...تنها راحل آنها برای همه‌ی مشکلاتشان." مصاحبه‌ی گروه بحران، تهران، مه 2016. یک مقام حزب‌الله گفت: "در عربستان سعودی یک رهبری غیرمنطقی سرکار است که از خصومت فرقه‌ای تغذیه می‌کند...و به آن دامن می‌زند. آمریکا باید رفتار بی‌منطق سعودی‌ها را کنترل کند." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مه 2015.

شیعی قلمداد می‌کرد، موضع تهاجمی گرفت، و حزب الله و ایران اکنون این موضع را منبع آشوب در منطقه و یکی از تهدیدات اصلی علیه بقای "محور مقاومت" تلقی می‌کنند. یک مقام حزب الله گفت:

ببینید سعودی‌ها در منطقه چه می‌کنند. به هر مناقشه‌ای دامن می‌زنند. سعودی‌ها بودند که داعش را به وجود آوردند. این جنگ افروزی سعودی‌هاست. حتی در لبنان، یعنی کشوری که همه‌ی بازیگران منطقه‌ای و (فراتر از آن) بین‌المللی خواهان حفظ ثبات و آرامش‌اش هستند، سعودی‌ها (با قطع کمک‌ها و تروریست خواند حزب الله) موضع تهاجمی گرفتند، و این پیام را فرستادند که حتی بیروت هم از سیاست پرخاشجویانه‌ی آنها در امان نخواهد بود.⁵⁶

عربستان سعودی و متحدان‌اش برداشتی متفاوت از اوضاع دارند، و اعمال حزب الله را تلاش برای سلطه تلقی می‌کنند. یک مقام لبنانی که روابط نزدیکی با عربستان دارد، گفت: "عربستان سعودی (در پی توافق سال 2008 دوحه در مورد لبنان) گفتگو و امتیاز دادن به ایران و حزب الله را آزموده‌است. ولی حاصل این رویکرد برای ما چه بوده؟ تنها سلطه‌ی بیشتر تهران و شریک محلی‌اش. مصالحه نتیجه‌ای نداد. مصالحه تنها زمینه‌ساز افزایش سلطه‌ی حزب الله خواهد بود."⁵⁷ در پی تصویب "قانون جلوگیری از کمک مالی بین‌المللی به حزب الله" (HIFPA) در دسامبر 2015 در ایالات متحده، حزب الله زیر فشار بین‌المللی فزاینده‌ای قرار گرفته‌است. این قانون از جمله تحریم‌هایی را بر هر موسسه‌ی مالی غیرآمریکایی تحمیل می‌کند که "آگاهانه باعث تسهیل معامله یا معاملاتی برای حزب الله ... (و) هر شخصی شود که در فهرست ویژه‌ی شهروندان مشخص و اشخاص مورد تحریم اداری کنترل موجودی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری" قرار داشته‌باشد. بانک‌های لبنان از بیم اقدام تلافی‌جویانه‌ی آمریکا، نه تنها صدها حساب بانکی حزب الله را بستند، بلکه حساب‌های آن دسته از حامیان حزب الله را که صریحاً مشمول این قانون نمی‌شوند را هم مسدود کردند.⁵⁸

این امر باعث مشاجره‌ی تندی میان حزب الله و ریاض سلامه، رئیس بانک مرکزی لبنان شد که می‌گفت برای جلوگیری از انزوای نظام بانکی لبنان، قانون ایالات متحده باید به اجرا گذاشته‌شود. حزب الله، بانک مرکزی را زیر حمله‌ی لفظی گرفت. بانک مرکزی بسیاری از سیاستمداران، تحلیلگران و شهروندان را متقاعد کرد که حزب الله عامل بمب‌گذاری ژوئن 2016 در دفتر مرکزی بلوم بانک در مرکز بیروت بود، پس از آن که بلوم بانک، چند حساب مرتبط با حزب الله را مسدود کرد.⁵⁹ تحریم بانکی انگشت روی نقطه‌ی حساسی گذاشت: این تحریم با به خطر انداختن ارتباطات اجتماعی حزب الله، موقعیت این گروه را به عنوان یک خدمت‌رسان اصلی به جامعه‌ی شیعه تهدید کرد و فشار مالی ناشی از درگیری حزب الله در سوریه را تشدید کرد.⁶⁰ وعده‌ی دولت جدید ایالات متحده در مورد گرفتن موضعی تندتر در قبال ایران و نفوذ منطقه‌ای آن کشور، ممکن است فشار بر حزب الله را بیش از پیش افزایش دهد.⁶¹

⁵⁶ مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، آوریل 2016.

⁵⁷ مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، آوریل 2016.

⁵⁸ <https://www.congress.gov/bill/114th-congress/house-bill/2297/text/pl>. "چگونه بانک‌های لبنان در قبال تحریم‌های ایالات متحده علیه حزب الله عمل می‌کنند"، *المانیتور*، 12 ژانویه 2016. ایالات متحده همچنین فعالیت‌های منتسب به حزب الله در آفریقا و آمریکای لاتین را هدف قرار داده‌است. "وزارت خزانه‌داری ماموران حزب الله را در غرب آفریقا تحریم کرد"، وزارت خزانه‌داری، 6 نوامبر 2013؛ "ایالات متحده تلاش برای قطع منابع مالی حزب الله را تشدید کرد"، *وال استریت جرنال*، 16 دسامبر 2015. اتحادیه‌ی اروپا در سال 2013 حزب الله را در فهرست تروریستی قرار داد، به دلیل نقش نظامی‌اش در سوریه، و دست داشتن انتسابی به بمب‌گذاری اتوبوسی در بلغارستان در سال 2012 که پنج گردشگر اسرائیلی و راننده‌ی آنها را کشت. "اتحادیه‌ی اروپا شاخه‌ی نظامی حزب الله را به فهرست تروریستی افزود"، *رویترز*، 22 ژوئیه 2013.

⁵⁹ "بانک مرکزی لبنان می‌گوید باید به قانون آمریکا در مورد حزب الله عمل کند"، *رویترز*، 17 مارس 2016. حمله به بلوم بانک به آن آسیب زد، ولی تلفاتی نداشت. *دیلی استار*، موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، 18 اکتبر 2016.

⁶⁰ یک روزنامه نگار با پیوندهایی نزدیک به حزب الله گفت: "حزب الله باید 15 تا 20 درصد از کمک‌هایی را که به هواداران‌اش می‌دهد می‌کاست، زیرا باید منابع‌اش را به جنگ تخصیص می‌داد." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، سپتامبر 2016. یک عضو حزب الله اذعان کرد: "در مقایسه با میزان حمایتی که حزب الله قبلاً از خانواده‌ی شهدا می‌کرد، کمک‌های ما خیلی کمتر شده... مرگ جنگجویان ما، فشاری اضافی به بودجه‌مان وارد کرده‌است." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، اکتبر 2016.

⁶¹ در فوریه 2017، دولت ترامپ تحریم‌های تازه ای علیه ایران وضع کرد. در میان اشخاص مورد تحریم، افرادی بودند که بنا به گزارش‌ها، در پول‌شویی برای حزب الله دست داشتند. "ترامپ ایران را به خاطر آزمایش موشکی تحریم کرد"، *واشنگتن پست*، 3 فوریه 2017.

C. آرامش جبهه‌ی جنوب؟

هرچند هدف اصلی حزب‌الله در سوریه حفظ حکومت آن کشور است، نقش خود را به عنوان ادامه دهنده‌ی جنگ سال 2006 علیه اسرائیل نیز ترسیم کرده‌است. بر اساس این روایت، ایالات متحده، اسرائیل و عربستان سعودی در همدستی با یکدیگر، از بحران سوریه برای تمام کردن کار "محور مقاومت" از طریق قطع پیوندی که این محور را پابرجا نگه داشته، یعنی حکومت اسد، بهره می‌گیرند. یک مقام ارشد حزب‌الله گفت:

سوریه، حلقه‌ی ارتباطی ایران و مقاومت (حزب‌الله) است. اگر این ارتباط از میان برود، لبنان در موقعیت بی‌نهایت دشواری قرار خواهد گرفت، یعنی میان اسرائیل و یک سوریه‌ی طرفدار اسرائیل. برای همین است که ما وارد سوریه شدیم و در آنجا می‌جنگیم.⁶²

از جنگ سال 2006، ده سال می‌گذرد. معادله‌ی دوران پس از جنگ – یعنی بازدارندگی متقابل بر پایه‌ی ترس هر یک از طرفین از این که جنگ بعدی ممکن است گسترده‌تر و ویرانگرتر باشد – هر دو طرف را از تشدید تنش‌ها باز داشته‌است. حسن نصرالله در مصاحبه‌ای که مدت کوتاهی پس از پایان جنگ انجام داد، گفت: "از من بپرسید، اگر می‌دانستم که یک درصد هم احتمال داشته باشد که ربودن (دو سرباز اسرائیلی به دست حزب‌الله) به چنین جنگی منجر شود، آن کار را می‌کردم؟ جواب من این است: «نه، ابداً»، به دلایل انسان‌دوستانه، اخلاقی، اجتماعی، امنیتی، نظامی و سیاسی."⁶³

جنگ سوریه ممکن است متغیرهای جدید و خطرناکی وارد معادله کرده‌باشد، ولی دغدغه‌ی حزب‌الله برای جنگیدن با شورشیان سوریه، این گروه را حتا از فکر رویارویی جدیدی با اسرائیل در جنوب لبنان باز داشته‌است. در سال 2012، حزب‌الله گفت که درگیری سوریه تأثیری بر توان رزمی‌اش در مقابل اسرائیل نگذاشته، ولی اکنون وضع عوض شده، چرا که حزب‌الله ناچار شده‌است بخش عمده‌ی منابع مالی، نظامی و انسانی خود را به جنگ در سوریه اختصاص دهد. درگیری حزب‌الله در سوریه همچنین باعث رویگردانی بخش‌های مهمی از جوامع لبنان و سوریه از حزب‌الله شده، و این گروه را در جبهه‌ی اسرائیل آسیب‌پذیر ساخته‌است – نکته‌ای که از چشم استراتژیست‌های اسرائیل دور نمانده‌است.⁶⁴

دشوار بتوان پیش‌بینی کرد که بیشتر لبنانی‌ها چه واکنشی به دور تازه‌ای از درگیری با اسرائیل نشان خواهند داد؛ ممکن است مثل سال 2006، بسیاری از آنها از حزب‌الله حمایت کنند.⁶⁵ ولی جای شگفتی هم نخواهد بود اگر بسیاری دیگر، به ویژه در جامعه‌ی سنی لبنان و سوریه‌ی مخالف حکومت، درگیری را فرصتی برای انتقام جویی ببینند. یک تحلیلگر لبنانی گفت: "در سال 2006، خیلی از لبنانی‌ها حزب‌الله را مقصر شروع جنگ می‌دانستند. آن زمان، صدای عده‌ای شنیده می‌شد که آرزو می‌کردند اسرائیل برنده‌ی جنگ باشد، تا سر حزب‌الله کم بشود. بعد از جنگ سوریه، در خیلی از مناطق سنی‌نشین، این احساس به شکل تصاعدی رشد کرده است."⁶⁶ در اظهار نظری مشابه، یک روزنامه‌نگار سوریه گفت:

⁶² مصاحبه‌ی گروه بحران، مقام ارشد حزب‌الله، بیروت، مه 2016. حزب‌الله کرارا گروه‌های مسلح و اپوزیسیون سیاسی سوریه را متهم کرده که به منافع اسرائیل و غرب خدمت می‌کنند.

⁶³ /انهار، 27 اوت 2006.

⁶⁴ یک مقام ارشد حزب‌الله گفت: "ما نیروهای ویژه‌ای داریم که مختص جنگ با اسرائیل‌اند؛ نیروهای ما در سوریه فرق دارند". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژوئن 2012. یک مقام دفاعی اسرائیل گفت: "حزب‌الله مایل است اوضاع را آرام نگه دارد. هنوز جلوی حزب‌الله گرفته نشده. نصرالله گفت که اگر می‌دانست چه بهایی خواهد پرداخت وارد جنگ (2006) نمی‌شد... نیروهای‌شان پراکنده شده‌اند و تحریم‌های بین‌المللی، منابع مالی آنها را هدف گرفته‌است". مصاحبه‌ی گروه بحران، تل آویو، اکتبر 2016. هر دو طرف متوجه‌اند که ریسک بسیار بالاتر رفته‌است. یک مقام دفاعی دیگر اسرائیل تهدید کرد: "ما بلایی به سر لبنان می‌آوریم که از جنگ دوم جهانی به این سو ندیده باشد. ما لبنان را له می‌کنیم و با خاک یکسان می‌کنیم. آنها توانایی‌های‌شان را افزایش داده‌اند و الان 100 هزار موشک دارند. امروز یک بازدارندگی متقابل بین ما هست، و هیچ‌کس خواهان جنگ نیست". مصاحبه‌ی گروه بحران، تل آویو، اکتبر 2016. یک مقام شورای امنیت ملی اسرائیل که به‌تازگی بازنشسته شده، گفت سه دلیل وجود دارد که حزب‌الله قادر الان قادر به جنگی دیگر با اسرائیل نیست: "اسیبی که در سال 2006 به آنها و کشور لبنان وارد شد؛ بازدارندگی حاصله، که ناشی از این واقعیت است که تا سال‌ها، غیرسنی‌ها بیم خواهند داشت که سنی‌ها به دختران شش ساله‌ی شیعی‌ی تجاوز کنند و آنها را تکه‌تکه کنند؛ و خویشن‌داری ایران تا لحظه‌ی مناسب". مصاحبه‌ی گروه بحران، اکتبر 2016

⁶⁵ ولید جنبلاط، رهبر ثروتمند، گفت: "خیلی از سوریه‌ها و لبنانی‌ها پشت سر حزب‌الله بسیج می‌شوند... اسرائیل هنوز دشمن شماره یک ماست". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژوئن 2014.

⁶⁶ مصاحبه‌ی گروه بحران، طرابلس، سپتامبر 2016.

یک جنگ جدید با اسرائیل ممکن است برای عده‌ای تبدیل به عاملی وحدت‌بخش شود، به‌ویژه اگر شاهد مجازات دسته‌جمعی معمول از سوی ارتش اسرائیل باشیم. ولی خیلی از سوری‌ها (که در سال 2006 آوارگان شیعه لبنانی را به‌گرمی خوشامد گفتند) نفرت عمیقی از حزب‌الله دارند که حالا بیشتر از نفرتی است که از اسرائیل دارند.⁶⁷

اسرائیل درگیر شدن حزب‌الله در سوریه را به دقت زیر نظر داشته‌است. اسرائیل هرچند نگران دستیابی حزب‌الله به تسلیحات و مهارت‌های جدید به دلیل تماس با نیروهای نظامی روسیه است، ولی از بیم تغییر دادن مسیر درگیری به سمت خود اسرائیل، از دخالت مستقیم خودداری کرده و ترجیح داده تا نیروی حزب‌الله در جنگی فرسایشی تحلیل برود.⁶⁸ با این همه، اسرائیل خطوط قرمز خود را مشخص کرده: انتقال سلاح‌های پیچیده‌ی دوربرد و نقطه‌زن از ایران به حزب‌الله؛ تلاش جنگجویان حزب‌الله، با حمایت ایران، برای به دست آوردن جای‌پایی در بلندی‌های جولان، بسط خط اول جبهه‌ی حزب‌الله با اسرائیل از لبنان به عمق خاک سوریه؛ و حمله‌های موشکی عمدتاً با غیرعمد از قلمرو سوریه به خاک اسرائیل، فارغ از عاملی چنین حملاتی.⁶⁹ به عنوان اقدامی هشداردهنده و بازدارنده، اسرائیل چند بار در خاک سوریه به محموله‌های تسلیحاتی که می‌گوید ایران برای حزب‌الله فرستاده‌بود حمله کرده، و به شکلی روشمند - از طریق هدف گرفتن مواضع حکومت سوریه - به موشک‌اندازی از درون خاک سوریه پاسخ داده است.⁷⁰

ظاهراً مقام‌های اسرائیل نگرانی ویژه‌ای از این دارند که حزب‌الله ممکن است با کمک ایران بکوشد از خلاء قدرت در جنوب سوریه استفاده کند تا یک شبکه‌ی نظامی زیرزمینی در اطراف قنیطره در نزدیک مرز اسرائیل راه بیندازد و در آنجا نیرو جمع کند.⁷¹ در ژانویه 2015، در حمله‌ی یک هلیکوپتر اسرائیلی، شش تن کشته شدند، از جمله یک فرمانده حزب‌الله، یک افسر سپاه پاسداران ایران، و جهاد مغنیه، فرزند فرمانده نظامی فقید حزب‌الله، عماد مغنیه. یک روزنامه‌ی چاپ اسرائیل از قول منابع اطلاعاتی غرب نقل کرد که به ادعای آنها، واحدی به رهبری جهاد مغنیه در حال برنامه ریزی برای "حمله به اسرائیل با راکت، موشک ضدتانک و بمب بود، و قصد داشت عوامل تروریستی خود را به درون خاک اسرائیل بفرستد".⁷² منابع مختلفی ادعا می‌کنند که حزب‌الله نیروهای دولتی سوریه را در آن منطقه آموزش داده‌بود.⁷³ بسیار بعید است که حزب‌الله بدون حمایت و سرپرستی ایران، فعالیت‌های نظامی‌اش در جولان را پی‌گیری کند. مرگ مغنیه و یک افسر ایرانی حاکی از آن است که اقدامات حزب‌الله و ایران به دقت هماهنگ شده‌اند. نصرالله در سخنرانی گرامیداشت "شهادت قنیطره" در پی حمله‌ی هلیکوپتر اسرائیلی، اعلام کرد:

"ما در مقاومت اسلامی لبنان، دیگر قواعد (سابق) جنگی را (که جبهه‌ی لبنان را از رابطه‌ی اسرائیل با سوریه مجزا نگه می‌داشت) به رسمیت نمی‌شناسیم وقتی با تجاوز و ترور روبرو هستید، قواعد جنگی معنایی ندارد. ما دیگر جدایی جبهه‌ها را قبول نداریم."⁷⁴

حدود یک سال پس از آن، در یک حمله‌ی هوایی اسرائیل در حومه‌ی دمشق، سمیر قنطار کشته‌شد. گفته می‌شد که قنطار فرمانده "مقاومت سوریه برای رهایی جولان" بود - یک گروه گمنام مورد حمایت حکومت سوریه که سپاه پاسداران ایران و حزب‌الله به آن مشاوره می‌دادند و تجهیزش می‌کردند.⁷⁵ دو هفته بعد، ظاهراً در پاسخ به

67 مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، اکتبر 2016.

68 "آموزش نظامی روس‌ها به حزب‌الله در سوریه"، موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، 24 دسامبر 2015.

69 مصاحبه‌های گروه بحران، بیت‌المقدس، تل آویو، 28-29 سپتامبر 2016. یک مقام وزارت خارجه اسرائیل گفت: "اگر در جولان به ما شلیک بشود تلافی می‌کنیم. همه‌ی حملات علیه ما به دست شرکای محلی بوده، از جمله گروه‌های دُرُوز و جهاد اسلامی فلسطین". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیت‌المقدس، اکتبر 2016. یک دیپلمات روس در مورد واکنش اسرائیل گفت: "همه‌ی حملات تلافی‌جویانه از مواضع دولتی در بخش شمالی جنوب سوریه بوده است." مصاحبه‌ی گروه بحران، اکتبر 2016.

70 "حملات اسرائیل در سوریه نشان‌دهنده‌ی بیم از زرادخانه‌ی رو به گسترش حزب‌الله است"، الجزیره، 27 آوریل 2015. "اسرائیل در واکنش به راکت‌اندازی در شمال، به سوریه حمله کرد"، هآرتص، 21 اوت 2015.

71 مصاحبه‌های گروه بحران، مقام‌های اسرائیل، تل آویو و بیت‌المقدس، سپتامبر-اکتبر 2016.

72 "به گفته‌ی منابع، در حمله‌ی اسرائیل به سوریه، پسر رهبر فقید حزب‌الله کشته شد"، هآرتص، 18 ژانویه 2015.

73 همان؛ و مصاحبه‌های و مصاحبه‌های تلفنی گروه بحران، روزنامه‌نگاران و کشتگرگان هوادار و مخالف حکومت، بیروت، آوریل 2015- مه 2016.

74 المنار، 30 ژانویه 2015.

75 "مبادله‌ی زندانیان با حزب‌الله شروع شد"، الجزیره، 16 ژوئیه 2008؛ "نقش مرموز مأمور کشته‌شده‌ی حزب‌الله"، الجزیره، 22 دسامبر 2015. قنطار در سال 2008 پس از 30 سال حبس در اسرائیل در ازای بازگشت اجساد دو سرباز اسرائیلی که حزب‌الله در سال 2006 به اسارت گرفت آزاد شد و کمی بعد به حزب‌الله پیوست. بنا به گزارش‌ها، گروهی که

این حمله، یک واحد حزب الله که "قنطار" نامگذاری شده بود، بمبی را منفجر کرد که هدفش یک واحد گشتی ارتش اسرائیل در منطقه‌ی مورد مناقشه‌ی مزارع شبعا در جنوب لبنان بود. اسرائیل هم به نوبه‌ی خود مناطقی را در جنوب لبنان گلوله‌باران کرد.⁷⁶ در هیچ‌یک از حملات تلفاتی گزارش نشد، و هر دو طرف ظاهراً به قواعدی که تلویحاً پس از جنگ 2006 بر سرش توافق کرده بودند پایبند ماندند: حزب الله پاسخ خود را به منطقه‌ی مزارع شبعا - که ادعا می‌کند هنوز در اشغال اسرائیل است - محدود نگه داشت، و اسرائیل از نشان دادن واکنش نامتناسب پرهیز کرد.

در مجموع، بیم از پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل مدیریت، این دو بازیگر را به خویشن‌داری واداشته است. با این همه، هر دو طرف می‌گویند که دارند برای جنگ دیگری آماده می‌شوند، جنگی که تصور می‌رود در هر دو جبهه‌ی لبنان و سوریه رخ دهد. یک مقام حزب الله گفت: "دیر یا زود، یک درگیری بین ما و اسرائیل اتفاق می‌افتد، و ما داریم برای آن روز آماده می‌شویم." یک مقام اسرائیل گفت که حزب الله در حال حاضر در جنوب لبنان "100 هزار راکت به سمت ما نشانه رفته است". همچنان که گروه بحران در سال 2010 در باره‌ی لبنان نوشت، "دنیا باید دعا کند که ترس از یک درگیری فاجعه‌آمیز، همچنان دلیل کافی برای پرهیز دو طرف از تحریک نکردن یکدیگر باشد."⁷⁷

قنطار رهبری می‌کرد قصد راه‌اندازی جنبشی مسلح در جوار مرز را داشت. یک تحلیلگر لبنانی نزدیک به حزب الله گفت: "تصادفی نبود که حزب الله، قنطار را که دُرُوز بود برای این عملیات انتخاب کرد. ریشه‌های فرقه‌ای او احتمالاً به عضوگیری سوری‌های اهل جولان که اکثراً دُرُوز هستند کمک کرد". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، فوریه 2017.

⁷⁶/اخبار، 4 و 6 آوریل 2016.

⁷⁷ مصاحبه‌های گروه بحران، بیروت، آوریل 2016، تل آویو، 29 سپتامبر 2016. گزارش خاورمیانه شماره 97، طیله‌های جنگ: اسرائیل و "محور مقاومت"، 2 اوت 2010.

III. حزب الله و متحدان اش

A. الف- ایران: پیوند رو به استحکام

حزب الله از زمان تولدش در هنگامه‌ی تهاجم سال 1982 اسرائیل، دائماً پیوندهایش با ایران را، که مرئی عقیدتی و حامی نظامی آن است، توسعه داده، ولی به گفته‌ی مقام‌های ایران و حزب الله، در سیاست‌های داخلی لبنان، خودمختار باقی مانده است.⁷⁸ با این همه، از نظر نظامی، حزب الله به ایزاری در دست سیاست خارجی تهران - و به ویژه نیاز ایران به یک "پایگاه عملیاتی خط اول" یا "عمق استراتژیک" آن برای باز داشتن اسرائیل از حمله به خاک خود ایران - تبدیل شده است. از همان سال 1982، سپاه پاسداران صدها کوماندو به لبنان فرستاد تا به جنگجویان نوپای "حزب خدا" را - که در آن زمان چیزی بیش از آمیزه‌ای از گروه‌های مسلح شیعه نبود - در مقابله با تهاجم اسرائیل، مشاوره و آموزش بدهد.⁷⁹ در این زمان بود که انقلاب اسلامی ایران که تنها سه سال از عمرش می‌گذشت مشتاق به وجود آوردن انقلاب‌هایی مشابه در جهان اسلام بود.⁸⁰

با گرویدن به دکترین ولایت فقیه آیت الله خمینی، حزب الله ایدئولوژی‌ای را ارائه داد که تا پیش از آن محبوبیت چندانی در جامعه‌ی شیعه‌ی لبنان نداشت، و به این ترتیب راه را برای مجموعه‌ی تازه‌ای از باورها و رفتارهای مذهبی، فرهنگی و اجتماعی هموار ساخت.⁸¹ بسیاری از منتقدان حزب الله، این دکترین را دلیل روشنی بر سرسپردگی حزب الله به ایران می‌دانند، ولی واقعیت پیچیده‌تر است. در طول سال‌ها، رابطه‌ی ارباب-رعیتی ایران و حزب الله به نوعی وابستگی متقابل - هرچند نابرابر - تحول یافته است. عوامل متعددی به تحول این رابطه کمک کرده‌اند: مقاومت حزب الله در برابر اشغال بخش‌هایی از لبنان به دست اسرائیل، که در نهایت اسرائیل را به بیرون کشیدن نیروهایش از آن کشور ترغیب کرد؛ نفوذ فزاینده‌ی حزب الله در میان شیعیان لبنان؛ و مشروعیت و حمایت مردمی گسترده از آن در دنیای عرب.

تغییری عمده در این رابطه در سال 2006 پدید آمد، زمانی که حزب الله نشان داد که سرمایه‌گذاری درازمدت نظامی و مالی ایران، به ثمر نشسته است. حزب الله در برابر اسرائیل کوتاه نیامد و دو هدف اسرائیل را از جنگ علیه حزب الله ناکام گذاشت: رهایی دو سرباز اسرائیلی، و نابودی شاخه‌ی نظامی حزب الله.⁸² به رغم کشته شدن بیش از هزار غیرنظامی و ویرانی گسترده در لبنان، حزب الله "پیروزی مقدس" خود را جشن گرفت.⁸³ جان به در بردن در مقابل نیرومندترین ارتش خاورمیانه، حزب الله را به بخشی لاینفک از محوری در حال شکل‌گیری -- که سوریه و گروه حماس مستقر در غزه نیز بخشی از آن بودند -- و نیز به نیروی قدرتمندی

⁷⁸ ایران می‌گوید در نقش سیاسی حزب الله در لبنان دخالت نمی‌کند. یک مقام ایران گفت: "مسائل داخلی لبنان، 100 درصد به حزب الله مربوط است." یک مقام دیگر پرسید: "ما چطور می‌توانیم به حزب الله تکلیف کنیم که در لبنان چه کند؟ حزب الله امور داخلی لبنان را بسیار بهتر از ما درک می‌کند. کاملاً به عکس، اغلب ما هستیم که از دانش حزب الله بهره می‌بریم تا درک بهتری از لبنان و منطقه به دست بیاوریم." مصاحبه‌ی گروه بحران، تهران، مه 2016. مقام‌های حزب الله نیز بر خودمختاری حزب الله در داخل لبنان تأکید کردند. مصاحبه‌های گروه بحران، بیروت، ژوئن 2012- اکتبر 2013.

⁷⁹ مصاحبه‌های گروه بحران، دیپلمات ارشد ایرانی، استانبول، مارس 2016؛ استراتژیست سپاه، تهران، مه 2016. به گفته‌ی ی نزار حمزه، ایران 1500 مشاور سپاه را به منطقه‌ی دره‌ی بقاع که زیر کنترل سوریه است اعزام کرد تا شبه‌نظامیان شیعه را برای جنگ با اسرائیل آموزش دهد. "حزب الله لبنان: از انقلاب اسلامی تا تطبیق‌پذیری سیاسی"، *ترنر و رلد کوارترلی*، سال 14، شماره 2، 1993. ترکیبی از گروه‌های محلی شیعه در سال 1984 نام "حزب الله" به خود گرفت. به گفته‌ی بیانیه‌ی تاسیس‌اش در سال 1985، "نامه‌ی سرگشاده به مستضعفین"، این گروه خود را "مقاومت اسلامی لبنان" نیز می‌خواند. هیثم مزاحم، "حزب الله از تولد تا جنگ ژوئیه (1982-2006)"، بدون تاریخ،

www.forum.qawem.org/showthread.php?t=76826

⁸⁰ دفتر نهضت‌های آزادی‌بخش که اندکی پس از انقلاب تاسیس شد، زیر نظر آیت الله حسینعلی منتظری (یار نزدیک آیت الله روح الله خمینی) فعالیت می‌کرد و وظیفه‌اش صدور انقلاب به سراسر جهان اسلام بود. این دفتر در سال 1987 در وزارت خارجه ادغام شد و به حاشیه رفت.

⁸¹ ولایت فقیه، مفهومی خاص اسلام شیعی است که بر اساس آن، در غیاب امام مهدی، دوازدهمین امام شیعیان که باوردارند غایب شده و ظهور خواهد کرد، امت اسلام باید زیر زعامت فقیه باشد. اصل پنجم قانون اساسی ایران می‌گوید: "در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهدمدار آن می‌گردد." به طریقی مشابه، در دهه‌ی 1980، سلفی‌گری در میان مسلمانان سنی لبنان حضوری بسیار حاشیه‌ای داشت.

⁸² در پیامد آن، یک تحقیق دولت اسرائیل به این نتیجه رسید که جنگ، "شکستی بزرگ و جدی" بوده است. *واشنگتن پست*، 31 ژانویه 2008. امروزه دستگاه دفاعی اسرائیل عقیده دارد که این جنگ باعث ایجاد بازدارندگی موقتی شده که بیش از یک دهه برجا مانده است. مصاحبه‌ی گروه بحران، مقام دفاعی اسرائیل، تل آویو، ژانویه 2017.

در لبنان، با اهمیتی منطقه‌ای بدل کرد.⁸⁴ نقطه‌ی عطف دوم، جنگ در سوریه بود. هر چند این درگیری باعث افزایش وابستگی حزب‌الله به ایران شد، ولی در عین حال حزب‌الله را به عنوان کارآمدترین شریک نظامی محور مقاومت که نقشی حیاتی در حفظ حکومت سوریه داشت، تثبیت کرد.

ایران حامی تزلزل‌ناپذیر، تامین‌کننده‌ی اصلی تسلیحات، و نیز تمامی دیگر جنبه‌های توان رزمی حزب‌الله - به‌ویژه تدارکات و آموزش - بوده است. جنگجویان حزب‌الله مهارت‌های خود را عمدتاً از مشاوران ایرانی (که خود در جنگ 1980 تا 1988 با عراق آبدیده شده‌اند) در اردوگاه‌های آموزشی در لبنان، سوریه و ایران کسب کرده‌اند. اطلاعات قابل‌اعتمادی در باره‌ی میزان حمایت مالی ایران از فعالیت‌های سیاسی و خدمات اجتماعی حزب‌الله در دست نیست؛ برآوردها میان 100 تا 400 میلیون دلار در سال متغیر است. در پی جنگ سال 2006، بنا به گزارش‌ها ایران تا یک میلیارد و دویست میلیون دلار برای بازسازی و غرامت قربانیان جنگ (به‌ویژه هواداران حزب‌الله) پرداخت کرد.⁸⁵

در مورد هزینه‌هایی که ایران برای عملیات جنگی حزب‌الله در سوریه پرداخته نیز اطلاعات موثقی در دست نیست، ولی منطقی است تصور شود که عمده‌ی نیازهای مالی و نظامی آن را ایران تامین کرده باشد. نصرالله در واکنش به تحریم‌های آمریکا در ژوئن 2016 گفت "بودجه‌ی حزب‌الله، درآمدش، هزینه‌هایش، هر چه که می‌خورد و می‌نوشد، سلاح‌ها و راکت‌هایش، همه از جمهوری اسلامی ایران می‌آید... تا زمانی که ایران پول داشته‌باشد ما هم پول داریم". این گفته، نشان‌دهنده‌ی وابستگی مستمر حزب‌الله به ایران است، و این که حتی اگر بخواد هم، بعید است بتواند مستقل از حامی‌اش، استراتژی خاص خودش را در سوریه دنبال کند.⁸⁶ با این همه، این امر همچنین نقش حیاتی حزب‌الله را در حفظ محوری که برای تهران از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است، آشکار می‌سازد.

مقام‌های ایران تاکید کرده‌اند که رابطه‌ی میان دوطرف، ماهیت متقابل دارد. یک مقام ایران گفت: "همکاری و هماهنگی میان ما بسیار نیرومندتر شده‌است. به دلیل این مناقشه، ما اکنون مسیر و سرنوشت مشترکی داریم". یک مقام دیگر ایران، از دست دادن حزب‌الله را به قطع عضو تشبیه کرد: "دشمنان ما می‌خواهند با حمله به دست راست ما، که حزب‌الله نماد آن است، ما را تضعیف کنند".⁸⁷ در داخل لبنان، دشمنان حزب‌الله آن را به قربانی کردن منافع لبنان به خاطر ایران از طریق ورود به جنگ سوریه متهم می‌کنند. یک مقام "جریان آینده" اعتقاد مشترک بسیاری از دشمنان حزب‌الله را این گونه منعکس کرد: "حزب‌الله با دخالت در سوریه دارد امنیت و اقتصاد لبنان را در خدمت هدف‌های ارباب‌اش ایران به خطر می‌اندازد".⁸⁸ با این همه، این گفته، واقعیت پیچیده‌ای را نادیده می‌گیرد. حضور حزب‌الله در سوریه به همان اندازه نیز ناشی از میل به بقای خویش است.

به‌عکس، درگیری حزب‌الله در نقاط دیگر منطقه، به‌ویژه در یمن، هیچ ارتباط مستقیمی با منافع آن یا مواضع‌اش در لبنان یا سوریه ندارد؛ و تاثیر نیز بر درگیری‌اش با اسرائیل نگذاشته‌است. حزب‌الله با تامین پشتیبانی آموزشی و تدارکاتی برای شورشیان حوثی، و با عهده‌دار شدن نقش اساسی در درون محور به عنوان

84/العربییه، 10 اوت 2007. افزون بر دو اسیر، در جنگ 34 روزه، 119 نظامی اسرائیلی کشته و 628 نفر زخمی شدند. بر اثر شلیک حدود 4000 راکت حزب‌الله، 44 غیرنظامی اسرائیلی کشته و حدود 1000 نفر زخمی شدند. وزارت خارجه، <https://tinyurl.com/jdvazdf>. یک مقام حزب‌الله گفت: "جنگ 2006 نقطه عطفی در مسیر حزب‌الله بود... این جنگ اعتماد (متحدان) و ترس (دشمنان ما) را افزایش داد". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مه 2009.

85 در زمینه کمک نظامی، مصاحبه‌های گروه بحران، مقام‌ها و اعضای حزب‌الله، بیروت، جنوب لبنان، بقاع، 2010-2016. "ردیابی پولی که حزب‌الله از ایران می‌گیرد پیچیده است"، *الاکسپرس*، 31 ژوئیه 2012. یک تحلیلگر لبنانی با پیوندهایی با حزب‌الله گفت که این برآوردها ممکن است گمراه‌کننده باشند، زیرا "حمایت ایران از حزب‌الله اساساً غیردولتی است و در نتیجه، در هیچ بودجه رسمی‌ای در لبنان ذکر نمی‌شود". مذکور در همان.

86 مقاله ای در فوریه 2017، این رابطه‌ی دشوار، و شکایت‌های جنگجویان و فرماندهان را در باره‌ی دخالت فرمانده نیروی قدس سپاه در تمامی جزئیات نظامی آنها (در سوریه)، و فشار تهران برای تحمیل اطاعت جنگجویان حزب‌الله از ایران را در ابعادی بی‌سابقه توصیف کرد. "زیر فرماندهی سلیمانی، حزب‌الله درخشش خود را از دست می‌دهد"، *موسسه واشنگتن* برای سیاست خاور نزدیک، 22 فوریه 2017. یک ژنرال بازنشسته‌ی ارتش لبنان با پیوندهایی نزدیک به حزب‌الله گفت: "این تنش‌ها عادی‌اند؛ حتی ممکن است در خود ارتش هم پیش بیایند. ممکن است ناشی از این مسئله باشند که ایران در سوریه مستشار و فرمانده ارشد دارد، در حالی که حزب‌الله بیشتر جنگجو به آنجا اعزام کرده. ولی هیچ نشانه‌ای از شکافی عمیق‌تر نیست. استراتژی و هدف‌های حزب‌الله و ایران در سوریه کاملاً همسو هستند. ولی حزب‌الله زیر فشار مالی بوده و مجبور شده پرداخت حقوق‌ها را در موسسه‌های مختلفی عقب باندازد. این نتیجه‌ی فشار سیاسی ایران نیست، نتیجه‌ی وضع اقتصادی است". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مارس 2017.

87 العربییه، 25 ژوئن 2016. مصاحبه‌های گروه بحران، تهران، مه 2016. یک مقام دیگر گفت: "هدف ایران از تصمیم به دخالت در سوریه، حفظ همان مقاومتی است که حزب‌الله نماد آن است. حزب‌الله است که بیم‌ها و نگرانی‌ها را به رهبری ایران منعکس کرده‌است". مصاحبه‌ی گروه بحران، تهران، مه 2016.

88 مصاحبه‌ی گروه بحران، طرابلس، ژوئن 2015.

سردمدار شعارهای ضد نقش عربستان سعودی در یمن، شاید می‌خواهد هزینه‌ی حمایت از شورشیان سوری را به عربستان نشان بدهد. با این کار، حزب‌الله مستقیماً منافع ایران را نمایندگی می‌کند - زیرا خودش هیچ منافع مستقیم ژئواستراتژیکی در جنوبی‌ترین نقطه‌ی شبه جزیره‌ی عربستان ندارد - و مخالفان‌اش آن را متهم می‌کنند که روابط لبنان و ریاض را تخریب می‌کند.⁸⁹

B. سوریه: یا اسد یا هیچ

رابطه‌ی حزب‌الله با حکومت سوریه دچار تحول شده است: از رابطه‌ی سست در سال نخست پیدایش‌اش، تا رابطه‌ی رعیت-ارباب پس از پایان جنگ داخلی لبنان در سال 1990، به رابطه‌ی استراتژیکی و دوستانه از زمان به قدرت رسیدن بشار اسد در سال 2000.⁹⁰ اتحاد این دو پس از سال 2005 ژرفتر شد. پس از آن که عربستان سعودی، فرانسه، ایالات متحده و چند کشور دیگر، بشار اسد را متهم به صدور دستور ترور رفیق حریری کردند، حزب‌الله به دفاع از اسد برخاست. دمشق هم در جنگ سال 2006 لبنان، این حمایت را پاسخ گفت.⁹¹ حزب‌الله که زمانی برای حفظ جایگاه نظامی خود به سلطه‌ی حافظ اسد در لبنان وابسته بود، اکنون در حفظ حکومت پسر او در سوریه نقشی کلیدی یافته‌است. امروز، اتحاد میان این دو، انداموار است: چشم‌انداز اضمحلال حکومت سوریه، به‌ویژه اگر حکومتی سنی و دشمن‌خواه جایگزین‌اش شود، تهدیدی علیه موجودیت حزب‌الله است. حزب‌الله اعتقاد دارد که بعد از حکومت اسد، نوبت خودش خواهد بود.⁹²

در سوریه، حزب‌الله اهدافی دوگانه را دنبال کرده، و از هیچ اقدام مشورتی، تدارکاتی و نظامی برای حمایت از متحد خود دریغ نکرده‌است. در هماهنگی با استراتژی ایران، حزب‌الله برای نجات حکومت سوریه جنگیده است: کمک‌اش کرده تا اپوزیسیون مسلح را سرکوب کند، کنترل‌اش را بر دمشق حفظ کند و مناطقی را که برای بقای حکومت حیاتی بوده‌اند باز پس گیرد. با این‌همه، از همان آغاز، حزب‌الله کوشیده‌است از منافع مستقیم خودش هم حراست کند: جنگیدن در مناطق قصیر و قلمون در امتداد مرز برای ایجاد ناحیه‌ی ای حایل علیه حملات جهادی‌های سوریه به داخل لبنان، صیانت از خط تدارکاتی حیاتی با ایران، و محافظت از دو زیارتگاه شیعه در سوریه.⁹³

⁸⁹ سمیر جعجع، رهبر نیروهای لبنانی، که بیانیه‌ی نصرالله را برای لبنان زیانبار توصیف کرد، پرسید: "حمله به عربستان سعودی چه خدمتی به منافع عالی‌های لبنان می‌کند؟ مگر عربستان سعودی با لبنان چه کرده؟" *الحیات*، 19 آوریل 2015.

⁹⁰ سوریه با نگرانی شاهد پیدایش حزب‌الله بود و در طول جنگ داخلی لبنان، از طریق جنبش امل، شریک شیعی خود در لبنان، با آن جنگید. به دلیل تحمل دمشق، حزب‌الله تنها گروه شبه‌نظامی لبنانی بود که تحت توافق‌های 1989 طائف و بر اساس سوابق "مقاومتی" خود، از خلع سلاح گریخت. با این‌همه، تنش‌های گاه و بیگاه ادامه یافت. در سال 1993، ارتش لبنان که آن زمان زیر نفوذ سوریه بود، به روی تظاهرکنندگان حزب‌الله در ضاحیه که به توافق اول اسلو میان اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین اعتراض می‌کردند آتش گشود. حزب‌الله این تظاهرات را به‌رغم هشدار دولت لبنان و مقام‌های سوریه ترتیب داد که می‌گفتند ممنوعیت تظاهرات را به اجرا خواهند گذاشت. *La Syrie et le Hizbollah: Partenaires sous contrainte?* در سابرینا مروین (ویراست)، *Le Hizbollah: état des lieux* (پاریس، 2008).

⁹¹ در پی اعتراض‌های گسترده ضدسوری به ترور حریری، حزب‌الله تظاهرات عظیمی در بیروت به طرفداری از نقش سوریه در لبنان برپا کرد. شعار تظاهرات، که نام خود را به ائتلاف هوادار حزب‌الله 8 مارس داد، "سوریه، تشکر" بود. سخنرانی 8 مارس 2005 نصرالله، www.youtube.com/watch?v=YMf-bvXZQzY. دمشق تسلیم فشار داخلی و بین‌المللی شد و در آوریل 2005 نیروهای‌اش را از لبنان بیرون کشید. نصرالله به عنوان هدیه‌ی خداحافظی، تفنگی را که حزب‌الله در جنگ 2006 از اسرائیل به غنیمت گرفته‌بود به رستم غزاله، رئیس وقت اطلاعات نظامی سوریه در لبنان داد. *السفیر*، 29 آوریل 2005. حزب‌الله همچنین از کمک سوریه در جنگ 2006 قدردانی کرد. نصرالله اعلام کرد: "سوریه نه تنها گذرگاهی به سوی مقاومت، بلکه یک حامی نظامی واقعی بود... مهم‌ترین موشک‌هایی که روی حیفا و مرکز اسرائیل فرود آمدند، موشک‌هایی بودند که سوریه... در اختیار مقاومت گذاشت." نصرالله، 18 ژوئیه 2012. به همان اندازه مهم، حمایت استراتژیکی و سیاسی سوریه بود. اسد از رهبران عربی که حزب‌الله را به تحریک شروع جنگ متهم می‌کردند، لقب "نیمچه مرد" داد. الجزیره، 20 اوت 2006.

⁹² مصاحبه‌های گروه بحران، مقام‌ها و هواداران حزب‌الله، بیروت، مه 2012-اوت 2016.

⁹³ سوریه جمعیت شیعه‌ی اندکی (کمتر از یک درصد) دارد، ولی دو زیارتگاه مهم شیعی، بر مزار زینب، نوه‌ی محمد پیامبر اسلام از امام علی، و رقیه، دختر امام حسین، فرزند علی، ساخته شده‌اند. زیارت حرم‌های واقع در سوریه، عراق، ایران و نقاط دیگر، رسمی معمول در جهان شیعه است. یک روحانی لبنانی توضیح داد: "مردان جوان ما وقتی می‌شنوند که تکفیری‌ها ممکن است قبور سیده زینب و سیده رقیه را ویران کنند، خون‌شان به جوش می‌آید... آنها برای حفاظت از این حرم‌ها برای هر کاری آماده‌اند." مصاحبه‌ی گروه بحران، جنوب لبنان، مه 2016. نصرالله گفت: "تخریب زیارتگاه سیده زینب ممکن است به جنگ فرقه‌ای منجر شود... ما 40 تا 50 رزمنده (برای محافظت از آن) اعزام کرده‌ایم." *ناو*، 3 دسامبر

در پیگیری این اهداف، حزب الله به ندرت از حکومت سوریه فاصله گرفته، و اغلب هماهنگ با مقاصد سیاسی و نظامی آن عمل کرده است. با آن که حزب الله شاید با هدف اسد برای بازپس‌گیری کنترل بر تمامی خاک سوریه همراه نباشد، ولی مقام‌های حزب الله، تجزیه‌ی سوریه – از جمله به صورت ترتیبی برای خودگردانی یا دیگر انواع تمرکززدایی – را تهدید قلمداد کرده‌اند.⁹⁴ باین‌همه، در پی مذاکرات صلح ژانویه 2017 آستانه که با میانجیگری روسیه و ترکیه برگزار شد، حزب الله میان ترتیبات موقتی که اجازه‌ی حاکمیت محلی را بدهد، با ترتیباتی که راه را برای فدرالیسم هموار کند، تمایز قائل شد:

گروه‌های اپوزیسیون می‌خواهند که (هر آتش‌بس یا توافق تمدید شده‌ای) به آنها اجازه‌ی خودگردانی محلی بدهد. روس‌ها شاید با این قضیه مشکلی نداشته باشند؛ آنها پیشنهاد کرده‌اند که تجارت و رفت و آمد میان مناطق زیر کنترل حکومت و مناطق زیر کنترل اپوزیسیون آزاد باشد... حکومت سوریه... این نظر را رد می‌کند، ولی شاید تا ابد بر سر این موضع نماند. شاید چنین ترتیباتی – یعنی خودگردانی محلی – به صورت موقت پذیرفتنی باشد، تا زمانی که نهایتاً منجر به فدرالیسم نشود.⁹⁵

عجالتاً ایران، حزب الله و حکومت سوریه همچنان اعتقاد دارند که خودگردانی محلی می‌تواند پایه‌ای شود برای ایجاد مناطقی امن برای دشمن، و واکنش زنجیره‌ای مهارناپذیری را در سراسر منطقه به راه اندازد که به پیدایش دشمنانی جدید برای "محور مقاومت" منجر شود.⁹⁶ به این ترتیب، حزب الله در نبردهای حکومت سوریه در بیشتر بخش‌های کشور، شرکت کرده است.⁹⁷ از آن مهم‌تر، به‌رغم ادعاهای مکرر حزب الله مبنی بر این که راحل سیاسی را ترجیح می‌دهد، مقام‌های این گروه هرگز گزینه‌هایی ارائه نکرده‌اند که فراتر از محدوده‌ی تنگ شرایط اسد باشد: دستگاه امنیتی نباید دست بخورد، و تنها امتیازاتی جزئی در زمینه‌ی مسائل غیرامنیتی – از قبیل سیمت‌های وزارتی – داده شود؛⁹⁸ و اسد باید به عنوان ضامن وحدت حکومت و نیز نیروهای مسلح آن، رئیس‌جمهور باقی بماند. یک مقام ارشد حزب الله گفت:

طرف دیگر (اپوزیسیون و حامیان‌اش) اعتقاد دارد که در غیاب بشار، حکومت به دو جناح رقیب تقسیم می‌شود و آنها می‌توانند آنچه را که از راه نظامی به دست نیاورند، از راه سیاسی به دست بیاورند (تغییر سوریه به یک اردوگاه منطقه‌ای رقیب). برای همین است که این‌قدر بر رفتن اسد اصرار دارند. این اعتقاد آنهاست، نه ما. اگر ما، ایرانی‌ها و روس‌ها حمایت‌مان را (در صورت کنار رفتن اسد) هماهنگ کنیم، حکومت یکپارچه باقی می‌ماند.⁹⁹

2013. زیارتگاه‌ها آسیبی ندیده‌اند، ولی جنگ فرقه‌ای اکنون یک واقعیت است و حزب الله هزاران جنگجو در سوریه مستقر کرده است.

⁹⁴ مصاحبه‌ی گروه بحران، مقام ارشد حزب الله، بیروت، اکتبر 2016.

⁹⁵ مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژانویه 2017.

⁹⁶ یک مقام حزب الله توضیح داد: "بر اساس آنچه من از ایرانی‌ها شنیده‌ام، آنها با هر نظام فدرالی مخالف‌اند، چون فرایندی است که اگر در سوریه شروع شود، ممکن است به ایران هم سرایت کند. در واقع فدرالیسم از بعضی جهات بدتر از تجزیه‌ی کامل است، چون وضعیت و رابطه‌ی مبهمی (بین دولت محلی و مرکزی) به وجود می‌آورد که در عراق شاهدش بوده‌ایم". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژانویه 2017. یک مقام ارشد حزب الله، خودگردانی محلی را "تجزیه‌ای که محور مقاومت مخالف آن است" توصیف کرد. او گفت "لازم است سوریه یکپارچه بماند، ولی بهتر اداره شود. در طول زمان، آنهایی که مناطق خودشان را کنترل می‌کنند، نهادهای بهتری خواهند ساخت و اصرار به ماندن آن نهادها در دست خودشان خواهند کرد". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، اکتبر 2016.

⁹⁷ یک مقام ارشد حزب الله گفت: "در بعضی مناطق ما نقش رهبری داریم، و حکومت سوریه به ما وابسته شده. ولی در مناطق دیگر مثل درعا، ما نقش پشتیبانی داریم؛ مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، اکتبر 2016.

⁹⁸ در سال 2013، یک مقام ارشد حزب الله گفت: "اسد کنترل دستگاه‌های نظامی و امنیتی را رها نخواهد کرد. شاید پست‌های مشخصی در کابینه را... از قبیل وزارت اقتصاد، امور اجتماعی، فرهنگ و اطلاعات به اپوزیسیون بدهد". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، دسامبر 2013.

⁹⁹ این مقام انکار نکرد که طرحی جایگزین (پلان بی) برای مرگ یا رفتن اسد وجود دارد، ولی تأکید کرد: "البته ما قرار نیست هر طرح جایگزینی را اعلام کنیم، چون دشمنان ما بلافاصله به آن متوسل می‌شوند". جایگزینی اسد "منتفی بود". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، آوریل 2016. در پی آن، یک مقام دیگر حزب الله پیشتر رفت: "برای ایران، حفظ وضعیت ژئوپلیتیکی سوریه (به عنوان بخشی از "محور مقاومت")... اصل اساسی است. نتیجه‌ی آن هم فقط یک هدف است: نمی‌توانیم بگذاریم اسد را از راه نظامی سرنگون کنند. ایران جایگزینی برای اسد ندارد، ولی مسائل دیگر را قابل مذاکره می‌داند... ایران مشکلی ندارد که سنی‌ها اکثریت پارلمان را داشته باشند. در میان مولفه‌های خارجی جنگ سوریه، احتمالاً (حزب الله) است که در این مرحله نمی‌تواند نبود اسد را بپذیرد. برای ما، این مسئله مربوط به موجودیت‌مان است. ولی مشارکت اپوزیسیون در دولت... برای‌مان مسئله‌ای نیست". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژانویه 2017.

ظاهراً حزب الله بر آن است که حضور اسد، ارتش سوریه و نیروهای امنیتی وابسته به آن، شبه‌نظامیان حامی حکومت را متحد نگه داشته و از سقوط حکومت جلوگیری کرده‌است.¹⁰⁰ با این همه، حزب الله متوجه است که اسد نیز مانند سوریه از سال 2011 به این سو، به شکل برگشت‌ناپذیری عوض شده‌است.¹⁰¹ یک مقام حزب الله در توضیح گفت: "اسدی که می‌شناختیم رفته، و دیگر بر نمی‌گردد. حالا اسد جدیدی هست، ضامن حقوق اقلیت‌ها، نماینده‌ی بخش‌هایی از جمعیت، و حافظ منافع منطقه‌ای (ایران)".¹⁰² این اسد "جدید" برای آینده‌ی حزب الله اهمیت کلیدی دارد.

سرانجام این که حزب الله اعتقاد دارد که می‌تواند از طریق نظامی به اهدافش برسد و از سازش‌های دردناک حین مذاکره، بی‌نیاز شود. یک مقام ارشد حزب الله گفت: "اخلاق در سیاست جایی ندارد؛ سیاست، با نفوذ و قدرت سر و کار دارد. طی... پنج سال، به‌خصوص در دو مرحله‌ی پیاپی، یعنی اول دخالت ایران و حزب الله، و بعد دخالت روسیه، حکومت سوریه مناطق کلیدی را بازپس گرفت". چند ماه بعد، همین مقام افزود: "پوزیسیون دارد می‌بازد، و باید انتظار خیلی کمی (از مذاکرات) داشته باشد". سقوط شرق حلب که در دست شورشیان بود، در نوامبر 2016، تنها می‌تواند حزب الله را در این باور استوارتر کرده‌باشد.¹⁰³

حزب الله نقش‌های مختلفی در جبهه بازی کرده: نیروهای ارتش سوریه، جنگجویان (شبه‌نظامی) "نیروهای دفاع ملی" و شبه نظامیان سوری را آموزش داده و سازماندهی کرده؛ رهبری نبردهای عمده‌ای - به‌ویژه در مناطقی که مستقیماً با امنیت خودش و خطوط تدارکاتی‌اش مرتبط بوده‌اند - را رهبری کرده؛ به تصرف و حفظ اراضی کمک کرده؛ و نقش میانجی را میان نیروهای سوری و جنگجویان و مستشاران ایرانی ایفا کرده‌است. در مقابل، ارتش سوریه، پشتیبانی پیاده‌نظام سبک و اطلاعات تجسسی در اختیار حزب الله گذاشته‌است.¹⁰⁴ یک جنگجو گفت: "این که رهبری عملیات به عهده‌ی حزب الله باشد بستگی به ماهیت نبرد و عوارض منطقه دارد. در یکی از نبردهای اخیر در حومه‌ی دمشق، ما در کنار هنگ (عراقی) ابوفاضل عباس جنگیدیم و رهبری عملیات را به عهده داشتیم. در عملیات‌های دیگر، ما کل فرایند را از شناسایی تا پاک‌سازی به عهده داریم".¹⁰⁵

گهگاه میان حزب الله و جنگجویان حکومت تنش پدید آمده، که شاید ناشی از تفاوت‌های فرهنگی میان رویکرد سکولار ارتش سوریه (و سبک زندگی سکولار حاکم در میان بسیاری از علوی‌ها) از یک سو، و گرایش‌های نیرومند مذهبی ایران و حزب الله از سوی دیگر باشد. یک روزنامه‌نگار که با حزب الله مرتبط است، گفت: "تفاوت‌های فرهنگی واقعا وجود دارند. بعضی از جنگجویان حزب الله با عادت‌های متحدان‌شان، از قبیل نوشیدن الکل یا ناسزا گفتن به نمادهای مذهبی، آشنا نیستند. در همین حال، نیروهای حکومت، از شعائر مذهبی سفت و سخت حزب الله شاکی‌اند".¹⁰⁶ گزارش‌های مربوط به فساد و بی‌کفایتی ارتش نیز ممکن است در این مخالفت سهیم باشند؛ در عین حال، برخی افسران ارتش سوریه ناخرسندی‌شان را از دادن نقش رهبری جبهه به حزب الله ابراز کرده‌اند. به‌رغم تنش‌های محلی، حزب الله و حکومت سوریه در آنچه که هر دو، نبردی برای بقا تلقی می‌کنند، اتحاد مستحکمی دارند. یک تحلیلگر سوری در بیروت گفت: "در سطح سیاسی، تقریباً هیچ نشانه‌ای از اختلاف

¹⁰⁰ یک مقام ارشد حزب الله گفت: "می‌توان دستگاه نظامی و رئیس‌جمهور را از هم جدا کرد. بدون اسد، حکومت به اندازه‌ی اپوزیسیون از هم می‌پاشد. او نگهبان همبستگی حکومت است". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، آوریل 2016.

¹⁰¹ مصاحبه‌های گروه بحران، مقام‌های حزب الله، مقام ارشد، بیروت، مه 2015-اکتبر 2016.

¹⁰² مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، آوریل 2016.

¹⁰³ مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، آوریل، اکتبر 2016. یک مقام دیگر حزب الله گفت: "اسد حق داشت (که در پی راه حل نظامی در حلب بود). از دست رفتن (بخش شرقی) شهر، اپوزیسیون را ناچار از قبول مذاکره کرد... هر توافقی باید موازنه قوای عینی را به حساب بیاورد. نمی‌توان به اسد (بعد از پیروزی او) گفت که باید برود. حکومت حق دارد خواهان ضمانت‌هایی برای حفظ خود و تا اندازه‌ی زیادی، برای حفظ شیوه‌ی حکومت‌اش شود". مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژانویه 2017.

¹⁰⁴ مصاحبه‌ها و مصاحبه‌های تلفنی گروه بحران، مقام‌های حزب الله، جنگجوی حزب الله، روزنامه‌نگاران و تحلیلگران لبنانی مرتبط با حزب الله، تحلیلگران، روزنامه‌نگاران و کنشگران سوری، مضایا، استانبول، غاز عینتاب، بیروت، سپتامبر 2013-اکتبر 2016. "حزب الله در سوریه"، موسسه مطالعه جنگ، گزارش خاورمیانه شماره 19، آوریل 2014.

¹⁰⁵ نقل از "یک جنگ مرزی دیگر؟"، *ناو*، 22 اکتبر 2013. حزب الله اغلب در هماهنگی با ارتش و شبه‌نظامیان هوادار حکومت، در پشتیبانی مستقیم، مثلاً عملیات تک‌تیراندازی و ضدتک‌تیراندازی، حفاظت از بناها و راه‌ها، پاک‌سازی مشترک و درگیری مستقیم با نیروهای اپوزیسیون شرکت دارد. مصاحبه‌های گروه بحران، جنگجو و مقام حزب الله، روزنامه‌نگاران با ارتباط نزدیک با حزب الله، تحلیلگر سوری، بیروت و جنوب لبنان، ژانویه 2014-اکتبر 2016.

¹⁰⁶ مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مه 2016. یک تحلیلگر ایرانی گفت: "حکومت سوریه در زمینه‌ی روایتی که از مقاومت دارد، با ایران و حزب الله هماهنگ نیست. ارتش سوریه سکولار است. این حکومت ممکن است برای نجات خود با شیطان هم متحد بشود. ایران و حزب الله از این موضوع خسته شده‌اند". مصاحبه‌ی گروه بحران، تهران، مه 2016. ولی حزب الله حکومت را از نظر اخلاقی و سیاسی، وابسته به محور مقاومت می‌داند.

به چشم نمی‌خورد، چه برسد به تنش. عجالتاً، این سه متحد (حکومت سوریه، ایران و حزب‌الله) همبستگی بسیار نزدیکی دارند.¹⁰⁷

C. روسیه در هیئت ناچی؟

دخالت نظامی سپتامبر 2015 روسیه، نقشی حیاتی در جلوگیری از سقوط حکومت سوریه داشت، همچنان‌که دخالت نظامی ایران و حزب‌الله در سال 2013¹⁰⁸ از آن زمان، این چهار طرف، در شراکتی استراتژیک به هم پیوسته‌اند – آنها بر سر ضرورت حفظ حکومت سوریه هم‌رأی‌اند، اما احتمالاً دچار اختلاف‌هایی – حتا گسترده – بر سر جایگزین حکومت‌اند. حملات هوایی روسیه، که اغلب بر شورشیان غیرجهادی تمرکز داشت، راه را برای پیشروی‌های عمده‌ی حکومت سوریه هموار کرد. مسکو از این طریق، افزون بر این که جلوی عملی شدن نیت غرب مبنی بر تغییر حکومت در دمشق را گرفت، نقش بین‌المللی مهمی برای خود بازیافت – که یکی از اهداف اصلی‌اش بود.¹⁰⁹

از لحاظ نظامی، روسیه ثابت کرد که مکملی قدرتمند برای نقش‌هایی است که ایران و حزب‌الله ایفا کرده‌اند. در حالی که شبه‌نظامیان شیعه، کمبود نیروی انسانی حکومت را از طریق اعزام جنگجو برای جنگ‌های زمینی جبران می‌کنند، روسیه در پشتیبانی از نیروهای زمینی، بمباران‌ها و عملیات شناسایی هوایی انجام داده، و تا کنون از گرفتار شدن در باتلاقی مشابه افغانستان پرهیز کرده‌است. درگیری روسیه در سوریه، آغازگر رابطه‌ای با حزب‌الله شد که ابعاد و کارکرد داخلی‌اش ناروشن است. مسلم این است که این رابطه، به حزب‌الله در بهبود توان رزمی‌اش کمک کرده‌است.¹¹⁰ چند روزنامه‌نگار به اتاق‌های عملیات مشترک دو طرف در لاذقیه و دمشق اشاره کرده‌اند. افزون بر این، بنا به گزارش‌ها، شش جنگجوی حزب‌الله در نجات یکی از دو خلبان روسی که هواپیمای‌شان در نوامبر 2015 به دست ترکیه سرنگون شد، شرکت داشتند.¹¹¹

ایران و حزب‌الله بابت دست‌نجاتبخشی که روسیه به سوی حکومت سوریه دراز کرد، قدردان‌اند، ولی نه به نیت روسیه اعتماد دارند، و نه می‌توانند اعمال آن کشور را کنترل کنند. دو بار، در فوریه و سپتامبر 2016، مسکو حکومت روسیه را مجبور کرد تا – گرچه برای مدتی کوتاه – آتش‌بس موقتی را که میان ایالات متحده و روسیه توافق شده بود بپذیرد، آتش‌بسی که حملات هوایی روسیه علیه شورشیان را در حلب به حال تعلیق درآورد. در مذاکراتی که برای برقراری نخستین آتش‌بس موقت انجام شد، حزب‌الله و ایران شرکت نداشتند، و بنا به گزارش‌ها، حتا از پیش مطلع نیز نشدند.¹¹² در مارس 2016، اعلام بیرون کشیدن بخشی از نیروی هوایی روسیه از سوریه، به بدگمانی ایران و حزب‌الله دامن زد. یک ماه بعد که جنگ از سر گرفته شد، حمایت دیر هنگام روسیه از تهاجم حکومت سوریه به حلب، بدگمانی ایران و حزب‌الله را دوچندان کرد.¹¹³

روابط دیرپای روسیه با حکومت سوریه، اسباب نگرانی دیگر حامیان اسد نیز هست. آنها سکولاریسم روسیه، سابقه‌ی حمایت آن از سوریه، و اطلاعات ژرف روسیه از ارتش سوریه را تهدیدی بالقوه به شمار می‌آورند. جهان‌بینی سکولار روسیه، آن را برای جامعه‌ی علوی‌ها – و مسلماً سنی‌ها و اقلیت‌های غیرشیعه‌ی

¹⁰⁷ مصاحبه‌های گروه بحران، روزنامه‌نگاران، تحلیلگران و سرباز سوریه، بیروت، دمشق، مه‌اکتبر 2016؛ تحلیلگر سوریه، بیروت، اوت 2016.

¹⁰⁸ یک مقام اسرائیلی که در ژوئن 2015 در روسیه بود گزارش کرد که وقتی روسیه تصمیم به دخالت گرفت، هم‌تایان روس او کاملاً حسن‌کردم‌بودند که حکومت سوریه نفس‌های آخرش را می‌کشد. مصاحبه‌ی گروه بحران، مقام سابق شورای امنیت ملی، تل‌آویو، 30 سپتامبر 2016. یک دیپلمات روس گفت: "در تابستان 2015، ما بی‌نیاهت نگران پیشروی سریع نیروهای اسلام‌گرای افراطی به سوی دمشق و تهدید ثبات دولت و سرنوشت میلیون‌ها سوریه بودیم. در میان جنگجویان افراطی، 3000 شهروند روس هم بودند... اگر دولت سوریه زرادخانه‌های نظامی‌اش را از دست می‌داد، به معنای آن بود که سلاح‌های تازه‌ای به دست جهادی‌ها می‌افتاد. نگرانی خیلی جدی بود." مصاحبه‌ی گروه بحران، تل‌آویو، سپتامبر 2016.

¹⁰⁹ ر.ک. گزارش خاورمیانه شماره 47 گروه بحران، گزینیه‌ی روسیه در سوریه، 29 مارس 2016.
¹¹⁰ "آموزش نظامی حزب‌الله به دست روسیه"، همان؛ "حزب‌الله روسی می‌آموزد"، مرکز خاورمیانه کارنگی، 26 فوریه 2016. مصاحبه‌ی گروه بحران، روزنامه‌نگار با رابطه‌ی نزدیک با حزب‌الله، بیروت، ژوئیه 2016.

¹¹¹ "آموزش نظامی حزب‌الله به دست روسیه"، همان؛ "بنا به گزارش‌ها، نیروهای ویژه روسیه در لاذقیه به حزب‌الله کمک می‌کنند"، ناو، 27 ژانویه 2016؛ *الاکسپرس*، 17 ژوئیه 2016. *راشائوتودی* به عربی، 25 نوامبر 2016.

¹¹² "چرا ایران هنوز در سوریه به روسیه اعتماد ندارد؟" المانیور، 10 ژوئن 2016. یک مقام ارشد حزب‌الله گفت: "ما با آتش‌بس موافقت نکردیم. به نظر ما روس‌ها تصمیم غلطی گرفتند." یک مقام دیگر حزب‌الله گفت: "روس‌ها در پی توقف درگیری‌ها بودند، که ایران و حکومت سوریه مخالف‌اش بودند. ولی در پایان روس‌ها موفق نشدند... و ما بهای آن را پرداختیم (از طریق پیشروی شورشیان در جنوب حلب)". مصاحبه‌های گروه بحران، بیروت، اکتبر 2016، ژانویه 2017.

¹¹³ مصاحبه‌ی گروه بحران، مقام حزب‌الله، بیروت، مه 2016.

سوریه -- جذابتر از ایدئولوژی ولایت فقیه ایران می‌سازد. پشتیبانی نیرومند روسیه از ارتش و نهادهای دولتی سوریه، با گرایش ایران و حزب الله -- که ترجیح می‌دهند شبه‌نظامیان از حکومت محافظت کنند -- در تضاد است. ایران و حزب الله از این نظر نیز دست پایین را دارند که روسیه در صحنه‌ی بین‌الملل، اردوگاه طرفدار حکومت سوریه را نمایندگی می‌کند، به‌ویژه که عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، و دارای حق وتو هم هست. ایران و حزب الله این موضوع را به‌شدت مسئله‌ساز تلقی می‌کنند، زیرا صرف‌نظر از ضرورت بقای حکومت سوریه، اهداف روسیه تفاوت‌هایی اساسی با اهداف حکومت سوریه، ایران و حزب الله دارد. روسیه برخلاف متحدان‌اش، از YPG -- گروه وابسته به PKK در شمال سوریه -- پشتیبانی کرده، و ظاهراً پیشنهاد فدرالی شدن سوریه را پذیرفته‌است، ترتیباتی که به سود کردها تمام خواهد شد.¹¹⁴ افزون بر این، شایعات گسترده‌ای هست که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، علاقه‌ای به شخص اسد ندارد، او را در نهایت یک نقطه ضعف به حساب می‌آورد، و ممکن است آماده‌ی بررسی برکناری او باشد، به شرطی که چنین کاری منافع روسیه را بهتر برآورده سازد.¹¹⁵ یک تحلیلگر ایرانی در پاسخ گفت:

روسیه در مذاکرات دست بالا را دارد؛ علیه آمریکا اهرم فشار دارد، در سازمان ملل حق وتو دارد و از کانال‌های مذاکره‌ی بین‌المللی و منطقه‌ای بیشتری هم برخوردار است. ولی روس‌ها نباید تصور کنند که می‌توانند منافع‌شان را بر منافع ما تحمیل کنند. روسیه ممکن است بر دیوان‌سالاری و نخبگان سوریه نفوذ داشته باشد، ولی ما و حزب الله هستیم که زمین را در اختیار داریم.¹¹⁶

با توجه به پیوندهای مسکو با اسرائیل، که پوتین به‌دقت از آن مراقبت کرده، رابطه‌ی حزب الله با روسیه محدودیت‌های دیگری نیز دارد.¹¹⁷ از زمان دخالت در سوریه، مسکو مشغول ایجاد موازنه‌ای ظریف میان خودش، اسرائیل، و حکومت سوریه و حامیان‌اش بوده‌است. رئیس شورای فدراسیون روسیه در دیداری از اسرائیل، و در بیانیه‌ای که صریحاً از حزب الله نام نمی‌برد ولی با توجه به ماهیت جنگ در سوریه و نقش روسیه در آن، سرشار از تناقض بود، گفت: "ما مشغول گفتگو با سازمان‌هایی در سوریه هستیم، ولی اجازه‌ی تحویل سلاح به سازمانی را که ویرانی و مرگ به بار می‌آورد نخواهیم داد."¹¹⁸ افزون بر این، هرچند روسیه بلندی‌های جولان را طبق قوانین بین‌المللی در اشغال اسرائیل می‌داند، راحلی سیاسی را در این زمینه ترجیح می‌دهد. حزب الله و ایران، مبارزه‌ی مسلحانه را راه رهایی این سرزمین اشغالی می‌دانند و تلاش کرده‌اند در اطراف

¹¹⁴ یک مقام حزب الله گفت: "روسیه مشکلی با فدرالیسمی که به کردها خودمختاری بدهد ندارد. ولی برای ما فدرالیسم به معنی تجزیه است و آن را نمی‌توانیم بپذیریم." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، آوریل 2016. یک مقام سازمان ملل متحد پس از دیدار از مسکو گفت: "مقام‌های روس مخالفت اساسی با یک منطقه‌ی خودمختار کرد در سوریه ندارند." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، آوریل 2016. YPG (یگان‌های محافظ خلق)، گروه مسلح کرد سوری وابسته به PKK، در سال 2012 تاسیس شد. این گروه، عمده‌ترین نیروی کرد مسلح در سوریه است. PKK (حزب گارگران کردستان) عمده‌ترین گروه مسلح کرد در ترکیه است که در سال 1978 به وسیله‌ی عبدالله اوجلان تاسیس شد؛ این گروه در سال 1984 دست به شورش مسلحانه زد. ترکیه، اتحادیه‌ی اروپا، ایالات متحده و چند کشور دیگر، آن را گروهی تروریستی به شمار می‌آورند. ر.ک. گزارش خاورمیانه شماره 151 گروه بحران، پرواز ایکاروس؟ قدرت گرفتن ترلز/امیز YPG در سوریه، 8 مه 2014.

¹¹⁵ مصاحبه‌های گروه بحران، 3-6 مارس 2016. یک مقام حزب الله گفت: "روس‌ها می‌گویند سرنوشت اسد باید از هر توافقی بیرون گذاشته شود. از لحاظ نظری، اگر ما تنها در مقابل آنها بودیم، احتمالاً به توافقی (شامل کنار رفتن اسد) می‌رسیدیم. ولی در واقعیت، آنها نمی‌توانند چنین شرطی را تحمیل کنند، و چنین هم نخواهند کرد." مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، ژانویه 2017.

¹¹⁶ مصاحبه‌ی گروه بحران، تحلیلگر ایرانی نزدیک به محافل تصمیم‌گیرنده، تهران، مه 2016.
¹¹⁷ ر.ک. "ولادیمیر پوتین صمیمی‌ترین دوستی که اسرائیل در مسکو داشته‌است"، رویترز، 14 ژانویه 2016؛ "پوتین بر روابط اسرائیل و روسیه تأکید کرد"، جروزالم پست، 11 ژوئن 2016.

¹¹⁸ "ماتوینکو، دبیر شورای فدراسیون روسیه، از اسرائیل دیدن کرد"، وزارت خارجه اسرائیل، 4 فوریه 2016. وقتی دو فرمانده حزب الله گفتند که روسیه سلاح‌های پیشرفته به حزب الله داده‌است، بنا به گزارش‌ها، عقاید اسرائیلی‌ها در این باره متفاوت بود. برخی در اصل خبر تردید داشتند، برخی دیگر به نیات روسیه ظنین بودند. "دو فرمانده عملیاتی حزب الله گفتند روسیه حزب الله را مسلح می‌کند"، دیلی بیست، 11 ژانویه 2016؛ "آیا روسیه از حزب الله حمایت می‌کند؟" اینترسکشن، 8 فوریه 2016.

قنبره، جای‌پایی نظامی برای انجام عملیات نظامی و در نتیجه بالا بردن هزینه‌ی اشغال برای اسرائیل، ایجاد کنند.¹¹⁹

به طور خلاصه، روسیه و ایران/ حزب‌الله متحدانی نامشفاق ولی ضروری در سوریه‌اند.¹²⁰ یک مقام حزب‌الله گفت: "می‌شود گفت ما با روسیه شراکت داریم، شراکتی که جا را برای اختلاف باز می‌گذارد، و در آن هر طرف به منافع طرف دیگر احترام می‌گذارد، زیرا به یکدیگر احتیاج داریم".¹²¹

¹¹⁹ مصاحبه‌ی گروه بحران، دیپلمات روس، سپتامبر 2016. در طول جنگ 2014 اسرائیل-غزه، پوتین به هیئت‌ی از خاخام‌ها گفت: "من از تلاش اسرائیل برای محافظت از شهروندان‌اش حمایت می‌کنم. من هم خیر قتل تکان‌دهنده‌ی سه نوجوان را شنیده‌ام. چنین اعمالی مجاز نیست، و من از شما می‌خواهم تسلیت مرا به خانواده‌های‌شان ابلاغ کنید" (اشاره به ربودن و قتل دانش‌آموزان یشیوا، که اسرائیل حماس را مسئول آن می‌دانست). ایزرییل نشنال نیوز، 10 ژوئیه 2014.

¹²⁰ در اوت 2016، تهران به روسیه اجازه داد از پایگاه هوایی همدان برای حمله‌ی بمب‌افکن‌های دوربرد تی-22ام3 به سوریه استفاده کند. بعد از انقلاب سال 1979، ایران به هیچ نیروی خارجی اجازه‌ی استفاده از حریم هوایی خود را نداد. بر اثر اعتراض‌های داخلی در پی اعلام استفاده از این پایگاه هوایی توسط روس‌ها، ایران این مجوز را پس گرفت. "ایران مجوز استفاده‌ی روسیه از پایگاه نظامی را لغو کرد و گفت روس‌ها به اعتماد ما خیانت کردند"، نیویورک تایمز، 22 اوت 2016.

¹²¹ مصاحبه‌ی گروه بحران، بیروت، مه 2016.

IV. خروج از بن بست

با وجود پیروزی حکومت سوریه در شرق حلب، جنگ اصلا به پایان نرسیده است. نصرالله مذاکرات صلح آستانه را تایید کرده، ولی حزب الله باید در عمل پایبندی اش را به آن نشان دهد.¹²² حتا شکست اپوزیسیون مسلح غیرجهدی نیز احتمالا به خشونت پایان نخواهد داد، بلکه باعث افزایش نفرت از حکومت سوریه و حمایت از گروه های جهادی مانند داعش و فتح الشام -- به ویژه در میان نسل جوان سنی ها -- خواهد شد.¹²³ انتخاب داندل ترامپ در ایالات متحده، به طور بالقوه فصل تازه ای در جنگ خواهد گشود، فصلی که آکنده از ابهام خواهد بود. حامیان حکومت از انتخاب ترامپ استقبال کرده اند، زیرا باور دارند که نتیجه اش، بیرون کشیدن سیاسی و نظامی بیشتر ایالات متحده از درگیری، و به این ترتیب توافقی مطلوب است که روسیه تحمیل خواهد کرد. تصور آنها پذیرفتنی به نظر می آید. حضور واشنگتن در مذاکرات صلح آستانه، محدود به تنها یک ناظر بود.¹²⁴ اسد اعلام کرد که اگر ترامپ "می خواهد با تروریست ها بجنگد، ما قطعاً متحدش خواهیم بود، از این لحاظ، ما متحد طبیعی روس ها، ایرانی ها، و بسیاری کشورهای دیگر هستیم."¹²⁵ ولی عجالتاً به نظر می رسد که دولت ترامپ از تهاجمی به رهبری "نیروهای دموکراتیک سوریه" -- که مورد پشتیبانی ایالات متحده است -- علیه پایگاه مرکزی داعش در شهر رقه در شمال سوریه، حمایت می کند.

بالین همه، ترامپ هنوز سیاست فراگیرتری در مورد سوریه تدوین نکرده است. او نقش روسیه را -- که به گفته ای او، هدف اش شکست دادن داعش است -- تایید کرده؛ همچنین انتقاد از حمایت دولت اوباما از شورشیان غیرجهدی را -- که ترامپ، وابستگی سیاسی شان را مورد سؤال قرار داده. بالین همه، ترامپ به همان اندازه هم با ایران مخالفت کرده، و گفته است که مصمم است با نفوذ ایران در منطقه مقابله کند. هرچند هنوز روشن نیست که واشنگتن قصد دارد در سوریه چه بکند، اردوگاه طرفدار حکومت سوریه با دولتی در آمریکا روبروست که رویکردش خصمانه تر از دولت قبلی است. حامیان حکومت سوریه باید به همان اندازه نیز نگران استقبال گروه های جهادی از شعارهای مسلمان ستیزانه ای ترامپ و ممنوعیت مورد نظر در ایالات متحده برای ورود مهاجرانی از چند کشور مسلمان باشند، که در خدمت روایت گروه های جهادی عمل می کند.¹²⁶ هرچه سوریه بیشتر در چنگال خشونت باقی بماند، حزب الله هم مدت بیشتری باید نیروی انسانی رو به کاهش حکومت را جبران کند. حزب الله چنان سرمایه گذاری سنگینی در جنگ کرده که رها کردن خود را تقریباً ناممکن خواهد یافت. به گفته ای یک مقام ارشد "ائتلاف 14 مارس" لبنان: "حزب الله بلیت یکسره برای سوریه خریده، چه ببرد، چه ببازد."¹²⁷ حزب الله حتا اگر هم بخواهد دیگر نمی تواند خود را از منافع ایران در لبنان جدا کند.

¹²² المنار، 12 فوریه 2017. موضع نصرالله در باره آستانه با گفته های پیشین او پس از شکست دومین آتش بس در سال 2016 مغایرت داشت: "هیچ چشم اندازی برای راحل سیاسی (در سوریه) نیست... حرف آخر در جبهه زده می شود." /الخبیر، 27 سپتامبر 2016. پس از اعلام آتش بس و در حالی که مذاکرات آستانه در جریان بود، حزب الله در حمله به وادی برادی در حومه دمشق، به حکومت سوریه کمک کرد. یک مقام حزب الله توضیح داد که حمله در جریان آتش بس "یک استثنا بود، و دلیل آن، منبع آب (استراتژیک آن منطقه) بود. حزب الله به شدت درگیر شد... چون از قبل حضور چشمگیری در آنجا داشت. روس ها هم به دلیل بحران آب (در دمشق)... حمایت کردند." مصاحبه ای گروه بحران، بیروت، ژانویه 2017.

¹²³ برای مقایسه با عراق، ر.ک. گزارش خاورمیانه شماره 169 گروه بحران، جنگ یا گریز: مخصمی نامیکننده "نسل 2000" عراق، 8 اوت 2016.

¹²⁴ "درگیری دیگری در خاورمیانه: داندل ترامپ چه خواهد کرد"، نیویورک تایمز، 10 نوامبر 2016. مقاله ای گروه بحران، "در مذاکرات صلح سوریه در آستانه چه چیزی مطرح است؟"، 24 ژانویه 2017.

¹²⁵ "مناقشه ای سوریه: اسد امیدوار است ترامپ متحدی علیه تروریسم باشد"، بی بی سی، 15 نوامبر 2016. اسد بر موضع خود تاکید کرد و گفت که ایالات متحده و سوریه می توانند "علیه تروریست ها و علیه تروریسم همکاری کنند. این بدهی است... البته اولویت همکاری در نبرد با تروریسم میان کشورهای مختلف از جمله روسیه، ایران و سوریه است." /پرزینت اسد: تنها راه آمریکا برای شکست دادن تروریسم در سوریه از طریق همکاری با دولت سوریه است -- دیدیو، "یاهو نیوز، 10 فوریه 2017. متن مصاحبه در اینجا موجود است: <http://sana.sy/en/?p=99897>. نصرالله گفت که با این موضع توافق کامل ندارد، زیرا ترامپ "چهره ای واقعی دولت نژادنگرا، سرکوبگر و زشت آمریکا را آشکار کرده"، ولی افزود: "حضور یک رئیس جمهور احمق در کاخ سفید خبر خوبی برای مردم مظلوم سراسر دنیاست". المنار، 13 فوریه 2017.

¹²⁶ مصاحبه ترامپ با سی بی اس مورنینگ نیوز، 18 فوریه 2016، www.youtube.com/watch?v=nIj-H5yZe90&feature=youtu.be. ابوعمر خراسانی، از رهبران ارشد داعش در افغانستان گفت: "این بابا کاملاً دیوانه است. نفرت بی حدش از مسلمان ها کار ما را خیلی آسان تر خواهد کرد، چون می توانیم هزاران عضو جدید بگیریم." /رویترز، 14 نوامبر 2016.

¹²⁷ مصاحبه ای گروه بحران، رهبر حزب مخالف حزب الله، آوریل 2016.

مذاکرات صلحی که به ابتکار روسیه، ترکیه و ایران در آستانه آغاز شد، فرصتی اندک برای کاهش خشونت در سوریه به وجود آورده است. جنگ با جهادی‌ها - داعش و فتح الشام (که اکنون زیر نام هیئه تحریر الشام تجدیدسازمان یافته) - تنها فضایی بسیار تنگ برای اجماع میان حامیان حکومت و ترکیه به وجود می‌آورد. برای همراه نگه داشتن آنکارا و گروه‌های زیر حمایت‌اش در روند صلح، متحدان اسد باید از حملات جدید علیه غیرجهادی‌ها و نیز از تاکتیک‌های تروریستی علیه جمعیت غیرنظامی پرهیز کنند. روسیه و ترکیه، مرز روشنی میان گروه‌های جهادی و غیرجهادی مشخص کرده‌اند. حزب الله و ایران، که بارها عمل‌گرایی را بر اپدولوژی مقدم داشته‌اند، باید اقدام مشابهی کنند و از افراطی و تکفیری خواندن همه‌ی جنبش‌های مسلح پرهیزند.¹²⁸ در سطحی کلی‌تر، حزب الله باید در بهرمگیری از ادبیاتی که باعث بسیج جوامع سنی علیه آن شود - به همان اندازه که بسیج جوامع شیعه مورد نظر حزب الله را در نظر دارد - بازنگری کند. هرچند حزب الله هرگز برنده‌ی یک مسابقه‌ی محبوبیت در سوریه نخواهد شد، ولی اگر گامی علنی به سمت موضعی صراحتاً غیرفرقه‌ای بردارد، شاید بتواند بخشی از برتری اخلاقی را که زمانی از آن برخوردار بود دوباره به دست بیاورد. ایران و حزب الله باید همچنین مذاکراتی را با شورشیان غیرجهادی بر سر مسائلی آغاز کنند که توافق در موردشان ممکن باشد، از جمله حاکمیت محلی در مناطق زیرکنترل شورشیان و کاستن از شدت محاصره‌ی مضایا، زبدانی، فوعه و کفریا.

ایالات متحده به نوبه‌ی خود باید در عین ادامه‌ی پشتیبانی از شورشیان سوری، نقش خود را در مذاکرات با هدف پایان دادن به درگیری، تقویت کند. با این همه، استراتژی آینده‌ی دولت ترامپ در مورد سوریه باید همچنین برخی تناقضات را حل کند: همپیمان شدن با روسیه در عین رویارویی ایران -- که متحد مسکو در سوریه است -- و نبرد با داعش، در عین تعلیق کمک به گروه‌های مورد حمایت ایالات متحده که با داعش می‌جنگند.¹²⁹

¹²⁸ نصرالله تا آنجا پیش رفت که گفت: "چیزی به اسم اپوزیسیون میانه‌رو سوری وجود ندارد. یا النصره هستند یا داعش". *الاکبار*، 27 سپتامبر 2016. جبهه النصره تا سال 2016 نام جبهه فتح الشام بود.

¹²⁹ "اختصاصی: به گزارش منابع، کمک سیا به شورشیان سوریه پس از حمله به حال تعلیق درآمد"، *رویترز*، 21 فوریه 2017.

V. نتیجه

دخالت حزب الله در سوریه تأثیری متناقض بر این گروه داشته است. از یک سو، به استعداد رزمی آن کمک کرده، به حزب الله امکان داده پیوندهایش را با متحدان خود تحکیم کند، و جایگاه منطقه‌ای آن را به عنوان نیرویی نظامی، تقویت کرده است. از سوی دیگر، منابع حزب الله را به شدت مصرف کرده، دشمنان جدیدی برای گروه به وجود آورده، باعث کاهش تراکم نیروهایش در طول جبهه‌ی رویارویی‌اش با اسرائیل شده، و حزب الله را از جنبه‌هایی تغییر داده که ممکن است در آینده به زیان‌اش تمام شود.

رهبران حزب الله ظاهراً بر این باورند که چاره‌ای جز تلاش برای رسیدن به یک پیروزی قاطع نظامی ندارند. حزب الله برای بزرگداشت "روز شهید" خود در نوامبر 2016، رژه‌ای نظامی در قسیر اجرا کرد، شهری که نماد ورود تمام‌عیار حزب الله به جنگ سوریه در سال 2013، و نیز نخستین پیروزی آن بود.¹³⁰ با نمایش تسلیحات سنگین‌اش از جمله تانک، موشک‌های ضد هوایی و خودروهای زرهی، حزب الله به روشنی توان نظامی خود را به دشمنان‌اش یادآوری کرد. یک روزنامه‌ی لبنانی از معاون نصرالله نقل قول کرد که: "حالا ما ارتشی آموزش‌دیده داریم."¹³¹

رهبران حزب الله باید به طور جدی واقعیت‌ها را در نظر گیرند. بیش از پنج سال جنگ نشان داده است که قدرت نظامی به‌خودی‌خود معادل پیروزی نظامی نیست، و نمایش قدرت ممکن است به جای تحت تأثیر قرار دادن دشمنان، تنها عزم آنها را جزم‌تر کند. حزب الله با تمامی قابلیت‌هایش، هنوز عاملی خارجی در سوریه است - در منطقه‌ای که تاریخ نشان داده است که آنهایی که یک روز آزادیبخش و حامی شناخته می‌شوند، ممکن است فرمای آن روز متجاوز و اشغالگر به حساب آیند. افزون بر این، ایران اکنون با دولتی پیش‌بینی‌ناپذیر در ایالات متحده روبروست که مصمم است جلوی نفوذ ایران را در منطقه بگیرد. به نفع حزب الله و ایران خواهد بود که به جای تقویت افراطگرایی، فتنه‌ی فرقه‌گرایی را پایین بکشند، باب گفتگو را با گروه‌های شورشی غیرجهدی باز کنند، و راه را برای توافق بر اساس مذاکره هموار کنند که هم منافع حیاتی‌شان را تضمین کند، و هم حزب الله را ترغیب کند که در نهایت به لبنان بازگردد.

بیروت/بروکسل، 14 مارس 2017

¹³⁰ النهار، 14 نوامبر 2016.

¹³¹ السفير، 16 نوامبر 2016. حزب الله به سرعت اصلاحیه‌ای صادر کرد و گفت که این مقام، نعیم قاسم، گفته بود: "ما به چیزی بیش از یک نیروی چریکی ولی کمتر از یک ارتش تبدیل شده‌ایم." المانیاتور، 16 نوامبر 2016

الف. نقشه لبنان



ب. دربارهی گروه بین المللی بحران

The International Crisis Group (Crisis Group) is an independent, non-profit, non-governmental organisation, with some 120 staff members on five continents, working through field-based analysis and high-level advocacy to prevent and resolve deadly conflict.

Crisis Group's approach is grounded in field research. Teams of political analysts are located within or close by countries or regions at risk of outbreak, escalation or recurrence of violent conflict. Based on information and assessments from the field, it produces analytical reports containing practical recommendations targeted at key international, regional and national decision-takers. Crisis Group also publishes *CrisisWatch*, a monthly early warning bulletin, providing a succinct regular update on the state of play in up to 70 situations of conflict or potential conflict around the world.

Crisis Group's reports are distributed widely by email and made available simultaneously on its website, www.crisisgroup.org. Crisis Group works closely with governments and those who influence them, including the media, to highlight its crisis analyses and to generate support for its policy prescriptions.

The Crisis Group Board of Trustees – which includes prominent figures from the fields of politics, diplomacy, business and the media – is directly involved in helping to bring the reports and recommendations to the attention of senior policymakers around the world. Crisis Group is chaired by former UN Deputy Secretary-General and Administrator of the United Nations Development Programme (UNDP), Lord Mark Malloch-Brown. Its Vice Chair is Ayo Obe, a Legal Practitioner, Columnist and TV Presenter in Nigeria.

Crisis Group's President & CEO, Jean-Marie Guéhenno, served as the UN Under-Secretary-General for Peacekeeping Operations from 2000-2008, and in 2012, as Deputy Joint Special Envoy of the United Nations and the League of Arab States on Syria. He left his post as Deputy Joint Special Envoy to chair the commission that prepared the white paper on French defence and national security in 2013. Crisis Group's international headquarters is in Brussels, and the organisation has offices in nine other locations: Bishkek, Bogota, Dakar, Islamabad, Istanbul, Nairobi, London, New York, and Washington DC. It also has staff representation in the following locations: Bangkok, Beijing, Beirut, Caracas, Delhi, Dubai, Gaza City, Guatemala City, Jerusalem, Johannesburg, Kabul, Kiev, Mexico City, Rabat, Sydney, Tunis, and Yangon.

Crisis Group receives financial support from a wide range of governments, foundations, and private sources. Currently Crisis Group holds relationships with the following governmental departments and agencies: Australian Department of Foreign Affairs and Trade, Austrian Development Agency, Canadian Department of Foreign Affairs, Trade and Development, Dutch Ministry of Foreign Affairs, Finnish Ministry for Foreign Affairs, French Ministry of Foreign Affairs, German Federal Foreign Office, Irish Aid, Principality of Liechtenstein, Luxembourg Ministry of Foreign Affairs, New Zealand Ministry of Foreign Affairs and Trade, Norwegian Ministry of Foreign Affairs, Swedish Ministry of Foreign Affairs, Swiss Federal Department of Foreign Affairs, and U.S. Agency for International Development.

Crisis Group also holds relationships with the following foundations: Carnegie Corporation of New York, Henry Luce Foundation, Humanity United, John D. and Catherine T. MacArthur Foundation, Koerber Foundation, Open Society Foundations, Open Society Initiative for West Africa, Ploughshares Fund, Rockefeller Brothers Fund, and Tinker Foundation.

March 2017

پ. گزارش‌ها و تحلیل‌های گروه بین‌المللی بحران در باره‌ی
خاورمیانه و آفریقای شمالی از سال 2014

Special Reports

Exploiting Disorder: al-Qaeda and the Islamic State, Special Report N°1, 14 March 2016 (also available in Arabic).

Seizing the Moment: From Early Warning to Early Action, Special Report N°2, 22 June 2016.

Israel/Palestine

The Next Round in Gaza, Middle East Report N°149, 25 March 2014 (also available in Arabic).

Gaza and Israel: New Obstacles, New Solutions, Middle East Briefing N°39, 14 July 2014.

Bringing Back the Palestinian Refugee Question, Middle East Report N°156, 9 October 2014 (also available in Arabic).

Toward a Lasting Ceasefire in Gaza, Middle East Briefing N°42, 23 October 2014 (also available in Arabic).

The Status of the Status Quo at Jerusalem's Holy Esplanade, Middle East Report N°159, 30 June 2015 (also available in Arabic and Hebrew).

No Exit? Gaza & Israel Between Wars, Middle East Report N°162, 26 August 2015. (also available in Arabic).

How to Preserve the Fragile Calm at Jerusalem's Holy Esplanade, Middle East Briefing N°48, 7 April 2016 (also available in Arabic and Hebrew).

Israel/Palestine: Parameters for a Two-State Settlement, Middle East Report N°172, 28 November 2016 (also available in Arabic).

Iraq/Syria/Lebanon

Iraq: Falluja's Faustian Bargain, Middle East Report N°150, 28 April 2014 (also available in Arabic).

Flight of Icarus? The PYD's Precarious Rise in Syria, Middle East Report N°151, 8 May 2014 (also available in Arabic).

Lebanon's Hizbollah Turns Eastward to Syria, Middle East Report N°153, 27 May 2014 (also available in Arabic).

Iraq's Jihadi Jack-in-the-Box, Middle East Briefing N°38, 20 June 2014.

Rigged Cars and Barrel Bombs: Aleppo and the State of the Syrian War, Middle East Report N°155, 9 September 2014 (also available in Arabic).

Arming Iraq's Kurds: Fighting IS, Inviting Conflict, Middle East Report N°158, 12 May 2015 (also available in Arabic).

Lebanon's Self-Defeating Survival Strategies, Middle East Report N°160, 20 July 2015 (also available in Arabic).

New Approach in Southern Syria, Middle East Report N°163, 2 September 2015 (also available in Arabic).

Arsal in the Crosshairs: The Predicament of a Small Lebanese Border Town, Middle East Briefing N°46, 23 February 2016 (also available in Arabic).

Russia's Choice in Syria, Middle East Briefing N°47, 29 March 2016 (also available in Arabic).

Steps Toward Stabilising Syria's Northern Border, Middle East Briefing N°49, 8 April 2016 (also available in Arabic).

Fight or Flight: The Desperate Plight of Iraq's "Generation 2000", Middle East Report N°169, 8 August 2016 (also available in Arabic).

Hizbollah's Syria Conundrum, Middle East Report N°175, 14 March 2017.

North Africa

The Tunisian Exception: Success and Limits of Consensus, Middle East/North Africa Briefing N°37, 5 June 2014 (only available in French and Arabic).

Tunisia's Borders (II): Terrorism and Regional Polarisation, Middle East/North Africa Briefing N°41, 21 October 2014 (also available in French and Arabic).

Tunisia's Elections: Old Wounds, New Fears, Middle East and North Africa Briefing N°44 (only available in French).

Libya: Getting Geneva Right, Middle East/North Africa Report N°157, 26 February 2015. (also available in Arabic).

Reform and Security Strategy in Tunisia, Middle East/North Africa a Report N°161, 23 July 2015 (also available in French).

Algeria and Its Neighbours, Middle East/North Africa Report N°164, 12 October 2015 (also available in French and Arabic).

The Prize: Fighting for Libya's Energy Wealth, Middle East/North Africa Report N°165, 3 December 2015 (also available in Arabic).

Tunisia: Transitional Justice and the Fight Against Corruption, Middle East and North Africa Report N°168, 3 May 2016 (also available in Arabic).

Jihadist Violence in Tunisia: The Urgent Need for a National Strategy, Middle East and North Africa Briefing N°50, 22 June 2016 (also available in French and Arabic).

The Libyan Political Agreement: Time for a Reset, Middle East and North Africa Report N°170, 4 November 2016 (also available in Arabic).

Algeria's South: Trouble's Bellwether, Middle East and North Africa Report N°171, 21 November 2016 (also available in Arabic and French).

Iran/Yemen/Gulf

Iran and the P5+1: Solving the Nuclear Rubik's Cube, Middle East Report N°152, 9 May 2014 (also available in Farsi).

The Huthis: From Saada to Sanaa, Middle East Report N°154, 10 June 2014 (also available in Arabic).

Iran and the P5+1: Getting to "Yes", Middle East Briefing N°40, 27 August 2014 (also available in Farsi).

Iran Nuclear Talks: The Fog Recedes, Middle East Briefing N°43, 10 December 2014 (also available in Farsi).

Yemen at War, Middle East Briefing N°45, 27 March 2015 (also available in Arabic).

Iran After the Nuclear Deal, Middle East Report N°166, 15 December 2015 (also available in Arabic).

Yemen: Is Peace Possible?, Middle East Report N°167, 9 February 2016 (also available in Arabic).

Turkey and Iran: Bitter Friends, Bosom Rivals, Middle East Briefing N°51, 13 December 2016 (also available in Farsi).

Implementing the Iran Nuclear Deal: A Status Report, Middle East Report N°173, 16 January 2017 (also available in Farsi).

Yemen's al-Qaeda: Expanding the Base, Middle East Report N°174, 2 February 2017 (also available in Arabic).

ت. هیئت امنای گروه بین المللی بحران

CO-CHAIR

Lord (Mark) Malloch-Brown

Former UN Deputy Secretary-General and Administrator of the United Nations Development Programme (UNDP)

PRESIDENT & CEO

Jean-Marie Guéhenno

Former UN Under-Secretary-General for Peacekeeping Operations

VICE-CHAIR

Ayo Obe

Chair of the Board of the Gorée Institute (Senegal); Legal Practitioner (Nigeria)

OTHER TRUSTEES

Fola Adeola

Founder and Chairman, FATE Foundation

Ali al Shihabi

Author; Founder and former Chairman of Rasmala Investment bank

Celso Amorim

Former Minister of External Relations of Brazil; Former Defence Minister

Hushang Ansary

Chairman, Parman Capital Group LLC; Former Iranian Ambassador to the U.S. and Minister of Finance and Economic Affairs

Nahum Barnea

Political Columnist, Israel

Kim Beazley

Former Deputy Prime Minister of Australia and Ambassador to the U.S.; Former Defence Minister

Carl Bildt

Former Prime Minister and Foreign Minister of Sweden

Emma Bonino

Former Foreign Minister of Italy and European Commissioner for Humanitarian Aid

Lakhdar Brahimi

Member, The Elders; UN Diplomat; Former Minister of Algeria

Cheryl Carolus

Former South African High Commissioner to the UK and Secretary General of the African National Congress (ANC)

Maria Livanos Cattai

Former Secretary General of the International Chamber of Commerce

Wesley Clark

Former NATO Supreme Allied Commander

Sheila Coronel

Toni Stabile Professor of Practice in Investigative Journalism; Director, Toni Stabile Center for Investigative Journalism, Columbia University

Frank Giustra

President & CEO, Fiore Financial Corporation

Mo Ibrahim

Founder and Chair, Mo Ibrahim Foundation; Founder, Celtel International

Wolfgang Ischinger

Chairman, Munich Security Conference; Former German Deputy Foreign Minister and Ambassador to the UK and U.S.

Asma Jahangir

Former President of the Supreme Court Bar Association of Pakistan; Former UN Special Rapporteur on the Freedom of Religion or Belief

Yoriko Kawaguchi

Former Foreign Minister of Japan; Former Environment Minister

Wadah Khanfar

Co-Founder, Al Sharq Forum; Former Director General, Al Jazeera Network

Wim Kok

Former Prime Minister of the Netherlands

Andrey Kortunov

Director General of the Russian International Affairs Council

Ivan Krastev

Chairman of the Centre for Liberal Strategies (Sofia); Founding Board Member of European Council on Foreign Relations

Ricardo Lagos

Former President of Chile

Joanne Leedom-Ackerman

Former International Secretary of PEN International; Novelist and journalist, U.S.

Helge Lund

Former Chief Executive BG Group (UK) and Statoil (Norway)

Shivshankar Menon

Former Foreign Secretary of India; Former National Security Advisor

Naz Modirzadeh

Director of the Harvard Law School Program on International Law and Armed Conflict

Saad Mohseni

Chairman and Chief Executive Officer of MOBY Group

Marty Natalegawa

Former Minister of Foreign Affairs of Indonesia, Permanent Representative to the UN, and Ambassador to the UK

Roza Otunbayeva

Former President of the Kyrgyz Republic; Founder of the International Public Foundation "Roza Otunbayeva Initiative"

Thomas R. Pickering

Former U.S. Under Secretary of State and Ambassador to the UN, Russia, India, Israel, Jordan, El Salvador and Nigeria

Olympia Snowe

Former U.S. Senator and member of the House of Representatives

Javier Solana

President, ESADE Center for Global Economy and Geopolitics; Distinguished Fellow, The Brookings Institution

Alexander Soros

Global Board Member, Open Society Foundations

George Soros

Founder, Open Society Foundations and Chair, Soros Fund Management

Pär Stenbäck

Former Minister of Foreign Affairs and of Education, Finland; Chairman of the European Cultural Parliament

Jonas Gahr Støre

Leader of the Labour Party and Labour Party Parliamentary Group; Former Foreign Minister of Norway

Lawrence H. Summers

Former Director of the U.S. National Economic Council and Secretary of the U.S. Treasury; President Emeritus of Harvard University

Helle Thorning-Schmidt

CEO of Save the Children International; Former Prime Minister of Denmark

Wang Jisi

Member, Foreign Policy Advisory Committee of the Chinese Foreign Ministry; President, Institute of International and Strategic Studies, Peking University

PRESIDENT'S COUNCIL

A distinguished group of individual and corporate donors providing essential support and expertise to Crisis Group.

CORPORATE**BP****Shearman & Sterling LLP****Statoil (U.K.) Ltd.****White & Case LLP****INDIVIDUAL****(5) Anonymous****Scott Bessent****David Brown & Erika Franke****Stephen & Jennifer Dattels****Herman De Bode****Reynold Levy****Alexander Soros****INTERNATIONAL ADVISORY COUNCIL**

Individual and corporate supporters who play a key role in Crisis Group's efforts to prevent deadly conflict.

CORPORATE**APCO Worldwide Inc.****Atlas Copco AB****BG Group plc****Chevron****Edelman UK****HSBC Holdings plc****MetLife****Shell****Yapi Merkezi Construction and Industry Inc.****INDIVIDUAL****(2) Anonymous****Mark Bergman****Stanley Bergman & Edward Bergman****Elizabeth Bohart****Neil & Sandra DeFeo Family Foundation****Sam Englehardt****Neemat Frem****Seth & Jane Ginns****Ronald Glickman****Rita E. Hauser****Geoffrey R. Hogue & Ana****Luisa Ponti****Geoffrey Hsu****Faisal Khan****Cleopatra Kitti****Virginie Maisonneuve****Dennis Miller****Kerry Propper****Nina K. Solarz****AMBASSADOR COUNCIL**

Rising stars from diverse fields who contribute their talents and expertise to support Crisis Group's mission.

Luke Alexander**Gillea Allison****Amy Benziger****Tripp Callan****Victoria Ergolavou****Christina Bache Fidan****Beatriz Garcia****Lynda Hammes****Matthew Magenheimer****Madison Malloch-Brown****Peter Martin****Megan McGill****Rahul Sen Sharma****Leeanne Su****AJ Twombly****Dillon Twombly****Grant Webster****SENIOR ADVISERS**

Former Board Members who maintain an association with Crisis Group, and whose advice and support are called on (to the extent consistent with any other office they may be holding at the time).

Martti Ahtisaari

Chairman Emeritus

George Mitchell

Chairman Emeritus

Gareth Evans

President Emeritus

Kenneth Adelman**Adnan Abu-Odeh****HRH Prince Turki al-Faisal****Óscar Arias****Ersin Arıoğlu****Richard Armitage****Diego Arria****Zainab Bangura****Shlomo Ben-Ami****Christoph Bertram****Alan Blinken****Lakhdar Brahimi****Zbigniew Brzezinski****Kim Campbell****Jorge Castañeda****Naresh Chandra****Eugene Chien****Joaquim Alberto Chissano****Victor Chu****Mong Joon Chung****Pat Cox****Gianfranco Dell'Alba****Jacques Delors****Alain Destexhe****Mou-Shih Ding****Uffe Ellemann-Jensen****Gernot Erler****Marika Fahlén****Stanley Fischer****Carla Hills****Swanee Hunt****James V. Kimsey****Aleksander Kwasniewski****Todung Mulya Lubis****Allan J. MacEachen****Graça Machel****Jessica T. Mathews****Barbara McDougall****Matthew McHugh****Miklós Németh****Christine Ockrent****Timothy Ong****Olara Otunnu****Lord (Christopher) Patten****Victor Pinchuk****Surin Pitsuwan****Fidel V. Ramos**